

فصلنامه پیشرو، سال دوم، شماره سوم، بهار ۱۴۰۳

**فصلنامه
پیشرو**

به توسعه ایران می‌اندیشد

زن بودن و سرودن

درباره چالش‌های کارآفرینی بانوان در ایران
در گفتگو با سرکار خانم پریسا پروشانی
بنیانگذار شرکت بازارنگر و دبیر انجمن تحقیقات بازاریابی ایران



کارآفرینی در ایران؛ خانه‌ای روی آب؟

درباره امکان و نقش کارآفرینی در ایران
در گفتگو با دکتر سحر بنکدارپور
رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران

اقتصاد هوشمندانه یعنی توانمندسازی زنان
نگاهی به چిستی و ضرورت توانمندسازی زنان

زنان و توسعه

نگاهی به نقش آفرینی زنان
در دستیابی به توسعه

غیر قابل فروش

پیشرو رایگان است و رایگان خواهد ماند

فصلنامه پیشرو

به توسعه ایران می اندیشد

مدیرمسئول و سردبیر: سپهر ساغری

هیئت تحریریه: سهراب دل انگیزان، یلدا دنیائی مبرز،

نرگس حق مرادی، مهناز کرمی، ماهرخ صادقی و فاطمه محمدزاده

صفحه آرا: سپهر ساغری

بازخوانی: یلدا دنیائی مبرز

با تشکر از: پروین رستمی



www.pishromagazine.com

حامیان فصلنامه پیشرو

Sponsors of PISHRO Quarterly



کلیک کنید
انجمن حقوق شناسی



نشا
آکادمی سواد مالی



نشا
مدرسه یادگیرنده



نیماد
تولیدکننده تجهیزات پزشکی



شریف جابر
سامانه اشتراک گذاری موقعیت‌های آکادمیک شغلی،
کارآموزی، کسری خدمت، امریه، پژوهشی و استارت‌آپی



مجمع تشکل‌های دانش بنیان ایران
وابسته به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

فهرست

- ۵ **بخش اول: کارآفرینی و توسعه**
-
- ۶ **سخن آغازین**
دختر و پسر فرقی ندارند؟ (سپهر ساغری)
نگاهی به انگاره های جنسیتی در فرهنگ ایران
-
- ۱۱ **مقاله**
اقتصاد هوشمندانه یعنی توانمندسازی زنان (نرگس حق مرادی)
نگاهی به چیستی و ضرورت توانمندسازی زنان
-
- ۲۰ **مقاله**
توانمندسازی زنان؛ چرا و چگونه؟ (یلدا دنیائی مبرز)
درباره کمک به زنان در کشورهای در حال توسعه
برای گذار از مشاغل غیرتخصصی به مشاغل تخصصی
-
- ۲۵ **گزارش**
آشنا؛ از ایده تا اجرا (مهناز کرمی)
معرفی انجمن توانمندسازی و پیشگیری آشنا
-
- ۲۹ **پیشنهاد کتاب**
زنان به پیش! (ماهرخ صادقی)
معرفی کتاب زنان به پیش اثر شریل سندبرگ
طرحی برای ارتقای منزلت اجتماعی زنان و افزایش مفاهمه بین زن و مرد
-
- ۳۴ **پیشنهاد**
بهخوان؛ شبکه اجتماعی کتاب دوستان
بهخوان فضایی برای کتابخوان هاست تا همدیگر را پیدا کنند و درباره کتابها حرف بزنند.



بخش دوم: کارآفرینی در ایران

۳۵

۳۶

مقاله

زنان و توسعه (سهراب دل انگیزان)

نگاهی به نقش آفرینی زنان در دستیابی به توسعه

۳۹

گفتگو

کارآفرینی در ایران؛ خانه ای روی آب؟ (سپهر ساغری)

درباره امکان و نقش کارآفرینی در ایران

در گفتگو با دکتر سحر بنکدارپور

رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران

۴۷

گفتگو

زن بودن و سرودن (سپهر ساغری)

درباره چالش های کارآفرینی بانوان در ایران

در گفتگو با سرکار خانم پریسا پروشانی

بنیانگذار شرکت بازاریان و دبیر انجمن تحقیقات بازاریابی ایران

۵۴

مقاله

زنان سازنده (فاطمه محمدزاده)

نگاهی به نقش آفرینی چهار بانوی کارآفرین؛

برسابه هوسپیان، شهیندخت خوارزمی، سهیلا سلحشور کردستانی و گلاره عباسی

۶۵

سخن پایانی

پیامد توانمندسازی زنان

بریده ای از کتاب توسعه یعنی آزادی اثر آمارتیا سن

۶۶

دعوت به همکاری



بخش اول
کارآفرینی و توسعه



برای توسعه، ابزاری موثرتر از توانمندسازی
زنان وجود ندارد.

کوفی عنان
هفتمین دبیر کل سازمان ملل متحد

منبع تصویر: www.biography.com Kofi Annan

○ از کجا شروع کنیم بهتر از همین جا که این همه جوان از سراسر جهان آمده‌اند تا با شعار حقیقت، درس بخوانند، پژوهش کنند و مسائل زمان ما را بکاوند؟ این بدان معناست که ما نباید دروغ را حقیقت و حقیقت را دروغ بپنداریم. (تشویق شدید) از طرف دیگر، کمبودها را به عنوان ویژگی طبیعی خود نمی‌پذیریم. اما فارغ‌التحصیلان عزیز، چه چیز می‌تواند جلوی شما را بگیرد- چه عاملی ما را از این وضعیت باز می‌دارد؟ باز هم دیوارهایی هست، دیوارهای ذهن، دیوارهای جهل و کوته فکری. دیوارهایی بین اعضای خانواده و نیز بین گروه‌های اجتماعی، بین نژادها، اقوام و مذاهب مختلف. امیدوارم این دیوارها را بشکنیم. دیوارهایی که مدام ما را از تعامل راجع به جهانی که با هم در آن زندگی می‌کنیم، باز می‌دارند. اینکه آیا موفق می‌شویم یا نه به خودمان بستگی دارد. پس فارغ‌التحصیلان عزیز، نکته چهارم من این است: هیچ چیز را ساده نگیرید. آزادی فردی ما بدیهی نیست، دموکراسی بدیهی نیست، صلح و پیشرفت هم همینطور. اما اگر دیوارهایی که ما را احاطه کرده‌اند، فروبریزیم، اگر در را باز کنیم و آغازهای جدید را با جسارت بپذیریم، آنگاه همه چیز ممکن می‌شود... دیوارها فرومی‌ریزند، دیکتاتوری‌ها ناپدید می‌شوند. می‌توانیم جلوی گرم شدن زمین را بگیریم. می‌توانیم بر گرسنگی چیره شویم. می‌توانیم بیماری‌ها را ریشه کن کنیم. می‌توانیم دسترسی به آموزش را برای همه خصوصا دختران فراهم کنیم. می‌توانیم از بی‌خانمانی و مهاجرت اجباری پیشگیری کنیم. همه این کارها را می‌توانیم انجام دهیم.

بخشی از سخنرانی آنگلا مرکل صدراعظم آلمان در جشن فارغ‌التحصیلی دانشجویان دانشگاه هاروارد در سال ۲۰۱۹
آنگلا مرکل از خاطرات خود در آلمان شرقی می‌گوید

www.eghtesadonline.com





دختر و پسر فرقی ندارند؟ نگاهی به انگاره‌های جنسیتی در فرهنگ ایران

نویسنده: سپهر ساغری

سر دبیر

از خندیدن تا لباس پوشیدن، از بیرون رفتن تا دوچرخه سوار شدن، جملگی محل بحث است با این حال معتقدیم دختر و پسر فرقی ندارند، مهم سالم بودنشان است! با این حال تفاوت وضعیت ایشان در عرصه‌های مختلف مشهود است. شاهد مثال آنکه فقط حدود ۱۵ درصد زنان کشورمان از نظر اقتصادی فعال محسوب می‌شوند.^۱ به همین منوال حضور زنان در عرصه تصمیم‌گیری هم کم‌رنگ است. تفاوت‌چندانی هم نمی‌کند به نهادهای دولتی بنگریم یا بخش خصوصی را بررسی کنیم. همان قدر تعداد زنان در مجلس اندک است که در نهادهای مدنی چون هیئت رئیسه نظام پزشکی، کانون وکلا، نظام مهندسی، اتاق بازرگانی و ... با این توضیح در نوشتار پیش رو ضمن بررسی کلیشه‌های جنسیتی به نقد انگاره‌های سنتی درباره زنان می‌پردازیم.

۱- سهم زنان در اقتصاد؛ فقط ۱۵ درصد www.pishkhan.com



زن بودن؛ تفاوتی که آموخته می شود

شاید برای کنکاش بیشتر موضوع، بهتر باشد کمی به عقب برگردیم. آن زمان که حتی اسباب بازی هایمان فرق داشت. دقیقا در آن نسلی که امکان رفتن به کوچه، بازی کردن با هم سن و سالان یا رفتن به سفر و مانند این برای دختر و پسر یکسان نبود. دقیقا جایی که از طریق واژه ها و البته انتظارات متفاوت، خواسته یا ناخواسته بین دختر و پسر بودن تمایز قائل شدیم. در این صورت باید پرسید اگر همه این سیاهه مصداق «فرق» نیست، پس فرق چیست؟ اصلا اگر بنا بود بین دختر و پسر فرقی باشد، مصداق آن فرق چه می بود؟^۲ آشکار است که نمی خواهیم نقش خود زنان را در گذار به برابری جنسیتی نادیده بگیریم. بویژه آنکه اگر ایشان به توانمندسازی و البته نقش آفرینی خود بی اعتنا باشند، طبعا نوشتن و سخن گفتن از حقوق زنان نه فقط بی تاثیر که عملا بی معناست!^۳ باری! زنان از بد تولد در فضای متفاوتی قرار می گیرند. برغم آنکه جنسیت نوزادان از ظاهر ایشان قابل تشخیص نیست اما والدین با پوشاندن انواع لباس یا زیور آلات، جنسیت او را متمایز می کنند. حتی انتخاب اسباب بازی نیز متأثر از جنسیت کودک است؛ عروسک

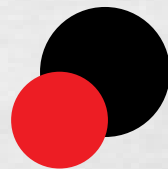
۲- البته منظور این نیست که دختر و پسر عملا هیچ فرقی ندارند بلکه نقد آن است که با تزریق انگاره های سنتی، عملا اعتماد به نفس زنان را نشانه می گیریم و به این ترتیب امکان شکوفایی استعداد های ایشان کم رنگ می گردانیم.

۳- چرا؟! چون نمی توان انتظار داشت که مثلا زنان ما خود با صدای بلند بگویند ما سیاسی نیستیم بعد امثال من بنویسیم چرا نماینده زن کم داریم! خوب مگر می شود زنی به سیاست تمایل نداشته باشد و آن را نکوهش کند بعد بگوییم چیزی از انگلا مرکل کم ندارد؟! تمام تفاوت با مرکل در همین است که مرکل و امثال او هم از قلب جوی مردسالار و تحمل تحقیر و توهین های ریز و درشت، خود را ثابت کرده اند. در غیر این صورت به صرف زن بودن نمی توان خود را با مرکل و امثال او قیاس کرد! کمالینکه منطقا مردان را هم به صرف جنسیتشان با لوتر کینگ یا امیر کبیر قیاس نمی کنیم!

برای دختران و ماشین برای پسران! بماند که برخی اسلحه هم به کودکان پسر خود هدیه می کنند. کمی که نوزادان بزرگ تر شدند جداسازی در انتخاب نوع پوشش، بلند خندیدن، بیرون رفتن با گروه همسالان، زمان بازگشت به منزل، آرایش کردن و بسیاری موارد دیگر محل تفاوت بین دختران و پسران می شود. در این جو جنسیت زده، دختر ولو تحصیل کرده و دانشگاه رفته با اذن پدر عروس می شود و بدون حق طلاق وارد چرخه سنت می شود. زنان که عموما از خشونت جامعه علیه خود گله مندند و زخم انواع و اقسام خشونت های جسمی، روحی، اقتصادی و اجتماعی را به تن دارند، در تنگنای فطرت زیستی و فشار فرهنگی به یک دوگانگی دچار می شوند. آنان زن بودن را بدون زن بودن تجربه می کنند تا ناموس جامعه ای پدرسالار به خطر نیافتد.

صدایشان، رفتارشان، ظاهرشان و هر آنچه در قیاس با مردان زنانه محسوب می شود، باید پنهان شود. موقعیت ایشان روشن است: دختر با لباس سفید به خانه بخت می رود و با لباس سفید از آن خارج می شود. آنچه سنت تدارک دیده پیامدهای قابل توجهی داشته است. دست کم در کش و قوس خواست سنت و امیال زنانه، سنت دست بالا را دارد و هر از چند گاهی با تکیه بر داس یا اسید، خط و نشان می کشد. انگاره هایی که مدام از برتری جنس مرد بر زن می گوید و در حدود ظرف شستن نیز چندان آستین بالا نمی زند.^۴ جامعه ای که حتی تصویر زن فوت شده را بر آگهی ترچیمش چاپ نمی

۴- البته بسیاری از این انگاره ها در نسل جدید کم رنگ شده است با این حال نمی توان منکر شد که جامعه کنونی ایران در کشاکش سنت و تجدد است.



کند، در عین حال می گوید دختر و پسر فرقی ندارند! حال باید پرسید از دل چنین انگاره هایی جامعه مدرنی شکل خواهد گرفت؟ با این انگاره ها می توان شکاف جنسیتی را کاهش داد؟ می توانیم جامعه ای بهتر بسازیم؟ اصلا چه باید کرد؟ تا روز جهانی زنان صبر کنیم و به تبریک یا خرید گل بسنده کنیم؟

تا هشت مارس صبر کنیم؟

اگر حقیقتا جایگاه زنان در جامعه و البته توسعه متوازن کشور دغدغه ماست، نباید تا هشت مارس صبر کنیم! اگر یکی از ملزومات گذار بدون خشونت به جامعه ای مدرن را توانمندسازی زنان می دانیم در آن صورت نه آخرین ماه سال که ماه نخست آن می بایست سرآغاز تغییر باشد. چه اهمیتی دارد تمام طول سال آنچه لازم است را فروگذار باشیم و در اسفند به مناسبت روز جهانی زنان به یک تبریک خشک و خالی بسنده کنیم؟ مگر در تمام این سال ها کم تبریک گفته شد؟ مگر کم گل و عطر خریداری شد؟ خروجی اش چه بوده است؟ چه میزان به توانمندسازی زنان انجامیده است؟ محل تعارف نیست که محدود شدن کنش «اکثریت» ما اعم از صاحبین کسب و کارها، کارآفرینان و ... به تبریک و اهدای گل نمی تواند اثرگذاری بلندمدتی داشته باشد. بدین نیستیم و نیت خوانی نمی کنیم اما حقیقتا انتظار می رود عمیق تر و اثرگذارتر اقدام کنیم. از این رو چند پیشنهاد را مطرح می کنیم:^۵

۵- البته مراد از این پیشنهادها نادیده گرفتن مردان نیست بلکه ناظر بر ضرورت کاهش شکاف جنسیتی و اهمیت توانمندسازی زنان فهرست شده اند.



منبع تصویر: تصاویر | وضعیت نامناسب یکی از دهها مدرسه کپری ایران www.khabaronline.ir

- می توانیم محصولات خود اعم از کالا یا خدمت را با تخفیف ارائه کنیم.
- شدنی است جهت توسعه امکان آموزش، کامپیوتر، لپ تاپ، گوشی و دیگر مواردی که از آن ها استفاده نمی کنیم را در اختیار سمن های فعال در نواحی کمتر برخوردار کشور قرار دهیم.
- در مورد حق حضانت، طلاق، سهم الارث و موارد مشابه هم می توانیم متناسب با تغییر شرایط جامعه، روزآمد عمل کنیم. تغییری که تماما در اختیار خود ماست به شرط آنکه نگاه زنان هم بروز شود.

اگر دغدغه ساختن ایرانی بهتر را داریم باید در مسیر توانمندسازی جامعه بکوشیم. استفاده از شبکه های اجتماعی در حدود ابزار اقدامی درست است اما اگر آن را هدف بدانیم به بیراهه رفته ایم!

در همین راستا می توانید به سرمقاله شماره نخست هم مراجعه فرمایید.

کلیک کنید



بمانیم یا برویم؟

- به عنوان صاحبین سرمایه بویژه به عنوان اعضای اتاق بازرگانی می توان در قالب مسئولیت اجتماعی، راه اندازی شتاب دهنده های کسب و کار در مناطق کمتر برخوردار را در دستور کار قرارداد تا از بانوان صاحب ایده حمایت شود.
- به عنوان ناشر یا مولف می توان با همکاری پلتفرم هایی چون فیدیبو یک یا چند کتاب خود را رایگان یا نیم بها اعلام کرد. (بویژه کتب حوزه کارآفرینی و کسب و کار)
- به عنوان موسسات آموزشی چون تکاپو، مکتبخونه، هم آموز، مدرسه کسب و کار آریانا و ... می توان دوره های خود را در قالب مسئولیت اجتماعی با تخفیف یا رایگان در اختیار بانوان کشورمان قرارداد.
- عموم مردم اعم از کسبه، معلمین، کارگران و ... می توانند به اندازه وسع خود از نهادهای مدنی چون بنیاد حامیان دانشگاه صنعتی شریف، بنیاد مصلی نژاد، بنیاد حامیان دانشگاه تهران و دیگر نهادهای حامی دانشگاه های سراسر کشور، جهت پوشش هزینه دانشجویان دختر، حمایت مالی نمایند.
- می توان بخشی از اوقات فراغت را به ارائه مشاوره رایگان یا نیم بهاء به منظور توانمندسازی زنان تخصیص داد.
- راه اندازی یک کانال آموزشی در یوتیوب می تواند جدا از دسترسی رایگان مخاطبین به محتوا، امکان درآمدزایی دلاری برای ناشرین را هم فراهم آورد.



از بین بردن شکاف‌های جنسیتی به نفع کل کشور است، نه فقط زنان و دختران.

آنا رونگا (مدیر بخش توسعه انسانی در اروپا و آسیای مرکزی بانک جهانی)

و سودیر شتی (مدیر بخش کاهش فقر و مدیریت اقتصادی در شرق آسیا و اقیانوسیه بانک جهانی)

● منبع تصویر:

Gender Equality
www.coe.int



اقتصاد هوشمندانه یعنی توانمندسازی زنان

نگاهی به چిستی و ضرورت توانمندسازی زنان

نویسندگان: آنا رونگا و سودیر شتی

مترجم: نرگس حق مرادی

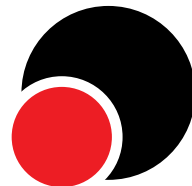
پژوهشگر توسعه

تا همین چند دهه پیش، زنان در جستجوی فرصت برابری حقوقی با مردان، با موانع بزرگی روبه‌رو بودند.^۱ تا همین یک ربع قرن پیش، شاهد نابرابری گسترده بین زنان و مردان در کلاس‌های دانشگاه، محل کار و حتی در خانه بودیم. از آن زمان تا به امروز، زندگی زنان و دختران در سراسر جهان از بسیاری جهات به طرز چشمگیری بهبود یافته است. در بیشتر کشورهای ثروتمند و در حال توسعه، جمع‌کثیری از زنان و دختران به تحصیلات عالی روی آورده‌اند، امید به زندگی‌شان افزایش یافته، از نظر شغلی جایگاه بهتری پیدا کرده‌اند و حقوق و حمایت‌های قانونی را به دست آورده‌اند. اما شکاف‌های جنسیتی بزرگ همچنان باقی هستند. احتمال مرگ زنان و دختران نسبت به مردان و پسران در بسیاری از کشورهای با درآمد کم و متوسط، بیشتر از هم‌تایان خود در کشورهای ثروتمند است. درآمد زنان تقریباً در همه جای دنیا کمتر است و از نظر اقتصادی بازدهی کمتری نسبت به مردان دارند. به علاوه، زنان نسبت به مردان فرصت‌های محدودتری برای تشکیل زندگی مستقل و تصمیم‌گیری دارند.

۱- متن حاضر ترجمه‌ای است از:

Empowering Women Is Smart Economics www.imf.org

آنا رونگا مدیر بخش توسعه انسانی در اروپا و آسیای مرکزی، و سودیر شتی مدیر بخش کاهش فقر و مدیریت اقتصادی در شرق آسیا و اقیانوسیه است و هر دو در بانک جهانی حضور دارند.



بر اساس گزارش ۲۰۱۲ بانک جهانی^۲ با عنوان گزارش توسعه جهانی: برابری و توسعه جنسیتی^۳، بستن این شکافهای جنسیتی برای توسعه و سیاست‌گذاری مهم است. برابری جنسیتی می‌تواند بهره‌وری اقتصادی را افزایش دهد، مسیر توسعه را برای نسل‌های بعدی هموار و نهادها و سیاست‌ها را مردمی‌تر کند. بسیاری از نابرابری‌های جنسیتی حتی با توسعه کشورها از بین نرفته‌اند، چرا که از بین بردن این شکافهای جنسیتی مستلزم اقدامات عمومی پایدار و متمرکز است. اگر سیاست‌های اصلاحی بر نابرابری‌های جنسیتی که بیشترین اهمیت را برای رفاه جامعه دارند، تمرکز کنند، دستاوردهای قابل توجهی برای توسعه به همراه خواهند داشت. این اقدامات باید علل اصلی نابرابری جنسیتی را بدون نادیده گرفتن اقتصاد سیاسی داخلی هر کشور هدف قرار دهند تا اثربخش باشند.

پیشرفت ترکیبی

در ربع قرن گذشته، هر جنبه‌ای از برابری جنسیتی، از دسترسی به آموزش و سلامت گرفته تا فرصت‌های اقتصادی و حقوق درون خانواده‌ها و جامعه، دستخوش الگوهای متفاوت تغییر شده است. در بعضی زمینه‌ها، مانند آموزش، شکاف جنسیتی تقریباً برای همه زنان کاهش یافته است. اما برای کسانی که با موانعی مانند فقر و قومیت روبرو هستند، پیشرفت تحصیلی کمتر اتفاق می‌افتد. در سایر زمینه‌ها، حتی در میان زنان ثروتمند و در کشورهایی که به سرعت توسعه یافته‌اند، سرعت از بین رفتن

2- World Bank

3-World Development Report: Gender Equality and Development

شکافها همچنان کند است. در آموزش ابتدایی، شکاف جنسیتی تقریباً در همه کشورها از بین رفته و در آموزش متوسطه به سرعت در حال کاهش است. در واقع، تقریباً در یک سوم کشورهای در حال توسعه، تعداد دختران در مدارس متوسطه از پسران بیشتر است. در دو سوم کشورهای که داده‌های آنها موجود و در دسترس است، تعداد زنان در دانشگاه‌ها بیشتر از مردان است: امروزه زنان ۵۱ درصد از دانشجویان دانشگاه‌های جهان را تشکیل می‌دهند. با این حال بیش از ۳۵ میلیون دختر و ۳۱ میلیون پسر در کشورهای در حال توسعه به مدرسه نمی‌روند و دو سوم این دختران از اقلیت‌های قومی هستند^۴. از سال ۱۹۸۰ به بعد، طول عمر زنان در تمام نقاط جهان بیشتر از مردان بوده است. اما در مقایسه با کشورهای ثروتمند، در تمام کشورهای در حال توسعه، در مقایسه با مردان و پسران، زنان و دختران بیشتری در سنین پایین‌تر جان خود را از دست می‌دهند. در نتیجه «مرگ و میر بیش از حد زنان»، سالانه حدود ۳.۹ میلیون دختر و زن زیر ۶۰ سال در کشورهای در حال توسعه «مفقود» می‌شوند (جدول شماره ۱). حدود دو پنجم آن‌ها هرگز به دنیا نمی‌آیند، یک ششم آن‌ها در اوایل کودکی می‌میرند و بیش از یک سوم آن‌ها در سال‌های باروری شان جان خود را از دست می‌دهند. مرگ و میر زنان در جنوب صحرای آفریقا، به ویژه برای زنان در سنین باروری و در کشورهایی که بیشترین آسیب را از همه‌گیری HIV و AIDS می‌بینند، رو به افزایش است (بانک جهانی، ۲۰۱۱، فصل ۳).

۴- برای کسب اطلاعات بیشتر به نمودار مندرج در متن اصلی مراجعه فرمایید.

جدول ۱- آن‌ها کجايند؟

در سال ۲۰۰۸ حدود ۴ ميليون زن ناپديد شدند.

کل (زیر ۶۰ سال)		۵۰-۵۹		۱۵-۴۹		۵-۱۴		زیر ۵ سال		در بدو تولد	
۲۰۰۸	۱۹۹۰	۲۰۰۸	۱۹۹۰	۲۰۰۸	۱۹۹۰	۲۰۰۸	۱۹۹۰	۲۰۰۸	۱۹۹۰	۲۰۰۸	۱۹۹۰
۱۲۵۴	۱۴۷۰	۳۰	۹۲	۵۶	۱۰۸	۵	۲۱	۷۱	۲۵۹	۱۰۹۲	۸۹۰
۸۵۶	۱۲۵۵	۷۵	۸۱	۲۲۸	۲۸۸	۴۵	۹۴	۵۲۱	۴۲۸	۲۵۷	۲۵۶
۱۱۸۲	۶۳۹	۹۹	۵۰	۷۵۱	۳۰۲	۷۷	۶۱	۲۰۳	۱۸۳	۵۳	۴۲
۴۱۶	۵۳	۳۱	۴	۳۲۸	۳۸	۱۸	۵	۳۹	۶	۰	۰
۷۶۶	۵۸۶	۶۸	۴۶	۴۲۳	۲۶۴	۵۹	۵۷	۱۶۳	۱۷۷	۵۳	۴۲
۳۰۵	۲۴۶	۵۱	۳۷	۱۶۱	۱۷۶	۲۰	۳۲	۷۲	۹۹	۱	۰
۱۷۹	۲۱۶	۴۶	۴۸	۱۱۳	۱۲۷	۹	۱۴	۷	۱۴	۴	۳
۵۲	۸۰	۱۵	۱۵	۲۴	۴۳	۱	۴	۷	۱۳	۶	۵
۲۳	۲۷	۳	۴	۴	۱۲	۰	۰	۱	۳	۱۴	۷
۳۳	۵۱	۱۷	۱۷	۱۰	۲۰	۱	۳	۵	۱۱	۰	۰
۳۸۸۲	۴۰۸۲	۳۳۴	۳۴۳	۱۳۴۷	۱۲۸۶	۱۵۸	۲۳۰	۶۱۷	۱۰۱۰	۱۴۲۷	۱۲۱۲

● منبع تصویر: تخمین ۲۰۱۲ تیم گزارش توسعه جهانی بر اساس داده‌های سازمان جهانی بهداشت و بخش جمعیت دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی بریتانیا

با این حال، در بسیاری از کشورهای، زنان (به ویژه زنان فقیر) در تصمیم‌گیری‌ها و استفاده از منابع خانواده‌شان کمتر از مردان حق مشارکت دارند. همچنین در کشورهای در حال توسعه زنان بیشتر در معرض خشونت خانگی قرار دارند. از طرفی در همه کشورهای، چه ثروتمند و چه فقیر، زنان کمتری در امور سیاست، به ویژه در سطوح بالاتر، شرکت می‌کنند.

برابری جنسیتی و توسعه

برابری جنسیتی برای توسعه بسیار مهم است، چرا که توسعه یعنی ایجاد آزادی برابر برای همه افراد، چه زن و چه مرد. (سن، ۲۰۰۹). به همان میزان که کاهش فقر و شکاف درآمدی بخش مهمی از توسعه است، از میان بردن شکاف رفاهی بین مردان و زنان نیز برای توسعه اهمیت دارد. برابری جنسیتی از سه جنبه باعث افزایش کارایی اقتصادی و بهبود سایر نتایج توسعه می‌شود:

طی ۳۰ سال گذشته، بیش از نیم میلیارد زن در سراسر جهان مشغول به کار شده‌اند و اکنون بیش از ۴۰ درصد از نیروی کار سراسر جهان را زنان تشکیل می‌دهند. یکی از دلایل افزایش مشارکت زنان در نیروی کار، کاهش بی‌سابقه باروری در کشورهای در حال توسعه مانند بنگلادش، کلمبیا و ایران، همراه با بهبود آموزش زنان است. با این حال، درآمد زنان در همه جای دنیا کمتر از مردان است (بانک جهانی، ۲۰۱۱- فصل ۵). این امر دلایل مختلفی دارد. یکی از دلایل می‌تواند این باشد که زنان بیش از مردان داوطلب می‌شوند تا بدون مزد برای کسب‌وکارهای خانوادگی کار کنند. همچنین، کشاورزان زن در زمین‌های کوچکتر کار کرده و محصولات کم‌بازده کشت می‌کنند. به علاوه، زنان کارآفرین، کسب‌وکارهای کوچکتری را در بخش‌های کم‌درآمد راه‌اندازی می‌کنند. تقریباً هر کشوری در جهان کنوانسیون رفع انواع تبعیض علیه زنان را تصویب کرده است.



- سومین و آخرین مورد اینکه توانمندسازی زنان عاملی موثر در مباحث اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که می‌تواند انتخاب‌های سیاستی را تغییر دهد و نهادها را به صدای قشرهای مختلف جامعه تبدیل کند. در هند، دادن قدرت به زنان در سطح محلی منجر به تأمین و توزیع بهتر کالاهای عمومی، مانند آب و امکانات بهداشتی شد که برای زنان اهمیت بیشتری دارند (بیمن و همکاران^۸، ۲۰۱۱).

تجهیز توسعه

برابری جنسیتی چگونه با پیشرفت توسعه تکامل می‌یابد؟ برای درک این موضوع باید واکنش خانواده‌ها به عملکرد و ساختار بازارها و نهادها را بررسی کنیم - اعم از بازارها و نهادهای رسمی (مانند قوانین، مقررات و ارائه خدمات دولتی) و غیررسمی (مانند نقش‌های جنسیتی، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی). بازارها و نهادها به تعیین انگیزه‌ها، ترجیحات و محدودیت‌های افراد مختلف در یک خانواده و همچنین قدرت چانه‌زنی آن‌ها کمک می‌کنند. به این ترتیب، تصمیم‌گیری خانواده، بازارها و نهادهای رسمی و غیررسمی برای تعیین موضوعات مربوط به جنسیت با هم تعامل دارند. این چارچوب همچنین نشان می‌دهد چگونه رشد اقتصادی (درآمدهای بالاتر) با تأثیر بر نحوه عملکرد بازارها و مؤسسات و نحوه تصمیم‌گیری خانواده‌ها بر موضوعات مربوط به جنسیت تأثیر می‌گذارد. رشد اقتصادی چرخ‌دنده‌ها را در جهت برابری

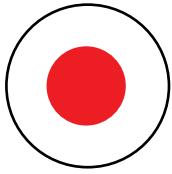
8- Beaman and others

اولا با توجه به اینکه زنان امروز ۴۰ درصد از نیروی کار جهانی و بیش از نیمی از دانشجویان دانشگاه‌های جهان را تشکیل می‌دهند، استفاده کامل از مهارت‌ها و استعدادهای آن‌ها، بهره‌وری کلی را افزایش خواهد داد. به عنوان مثال، اگر کشاورزان زن به منابع تولیدی برابر مانند زمین و کود دسترسی داشته باشند، تولید کشاورزی در کشورهای افزایش پیدا کند (سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد (فائو^۶، ۲۰۱۱). حذف موانع برای زنان شاغل در بخش‌ها یا مشاغل خاص و تخصیص بهتر مهارت‌ها و استعدادهای آن‌ها موجب افزایش ۲۵ درصدی مشارکت زنان و بهره‌وری نیروی کار و افزایش تولید خواهد شد (کیوبرس و ناینر-باک^۷، ۲۰۱۱).

- دوم اینکه، اگر زنان کنترل بیشتری بر منابع خانوار داشته باشند، چه درآمد خودشان باشد و چه در آمد خانواده را مدیریت کنند، چشم‌انداز رشد کشورها به گونه‌ای تغییر می‌کند که در آن شیوه‌های خرج کردن پول بیشتر به به نفع کودکان باشد. شواهد به دست آمده از کشورهای مختلف مانند برزیل، چین، هند، آفریقای جنوبی و بریتانیا نشان می‌دهد که وقتی زنان کنترل بیشتری بر درآمد خانوار دارند - چه درآمد خودشان باشد و چه درآمد سرپرست خانواده را مدیریت کنند - هزینه‌های بیشتری به تغذیه و آموزش کودکان اختصاص می‌دهند. (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

6- FAO

7- Cuberes and Teignier-Baqué



نرم می‌کنند، مانند زندگی در یک منطقه دورافتاده، عضویت در یک اقلیت قومی یا معلولیت. به عنوان مثال، در هند و پاکستان، بین پسران و دخترانی که عضو یک پنجم ثروتمند جمعیت هستند، هیچ تفاوتی در تعداد ثبت‌نام برای آموزش و پرورش وجود ندارد. ولی در یک پنجم فقیر جامعه، دختران تقریباً پنج سال دیرتر از پسران تحصیل می‌کنند. نرخ بی‌سوادی در میان زنان بومی گواتمالا دو برابر زنان غیربومی و ۲۰ درصد بیشتر از مردان بومی است. تاثیرات بازار، بهبود نهادهای ارائه‌دهنده خدمات و درآمدهای بالاتر که عموماً به تحصیل دختران و زنان جوان کمک کرده‌اند، نمی‌توانند به این جمعیت‌های به شدت محروم دسترسی پیدا کنند.

جنسیتی به حرکت در می‌آورد. همچنین «برابری جنسیتی» می‌تواند با از بین بردن شکاف‌های جنسیتی به رشد اقتصادی بیشتر کمک کند. این چارچوب نشان می‌دهد چرا شکاف جنسیتی در آموزش و پرورش به سرعت از میان رفته است. در این مورد، رشد درآمد (با کاهش محدودیت‌های بودجه برای خانوارها و خزانه‌داری عمومی)، بازارها (با گشودن فرصت‌های شغلی جدید برای زنان) و نهادهای رسمی (با گسترش مدارس و کاهش هزینه‌ها) گرد هم آمده‌اند تا بر تصمیمات خانواده‌ها به نفع آموزش دختران و زنان جوان در طیف وسیعی از کشورها تأثیر بگذارند. این چارچوب همچنین کمک می‌کند بفهمیم چرا زنان فقیر هنوز با شکاف‌های جنسیتی قابل توجهی روبرو هستند؛ به ویژه آن‌هایی که نه تنها با فقر بلکه با سایر اشکال محرومیت دست و پنجه



● منبع تصویر: (تصاویر) دختران آتش نشان www.fararu.com



برابری جنسیتی و سیاستگذاری

برای دستیابی به برابری جنسیتی، سیاستگذاران باید اقدامات خود را بر پنج اولویت متمرکز کنند: کاهش مرگ و میر بیش از حد دختران و زنان، برطرف کردن معایب ناشی از تبعیض جنسیتی در آموزش، افزایش دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی و در نتیجه درآمد و بهره‌وری بهتر، دادن فرصت‌های برابر ابراز وجود به زنان در خانواده‌ها و جوامع و کاهش انتقال رفتارهای جنسیت‌زده از نسلی به نسل دیگر.

برای کاهش مرگ و میر بیش از حد دختران و زنان، باید بر علل زمینه‌ای این مرگ و میرها در هر سنی تمرکز کرد. با توجه به اینکه دختران در دوران نوزادی و اوایل کودکی بیش از پسران به بیماری‌های عفونی منتقل شده از آب حساس هستند، با الگوبرداری از ویتنام، تامین آب پاک و بهداشت کلید کاهش مرگ و میر زنان در این گروه سنی است (بانک جهانی، ۲۰۱۱). همچنین سریلانکا و ترکیه در مراحل اولیه توسعه به بهبود مراقبت‌های بهداشتی از مادران باردار پرداختند که این موضوع تاثیر حیاتی بر کاهش مرگ و میر زنان در این کشورها داشته است. در مناطقی از صحرای آفریقا که بیش از سایر نقاط دنیا تحت تأثیر همه‌گیری HIV/AIDS قرار گرفته‌اند، دسترسی گسترده‌تر به داروهای ضد رتروویروس و کاهش بروز آلودگی‌ها و بیماری‌های جدید باید در کانون توجه قرار گیرد. برای مقابله با سقط جنین‌هایی که منجر به تولد کمتر دختران می‌شود، به ویژه در چین و شمال هند، باید مانند کره جنوبی روی ارزش اجتماعی دختران کار شود. برای کاهش شکاف‌های آموزشی در کشورهایی

که این شکاف همچنان ادامه دارد، موانع دسترسی به امکانات آموزشی به دلیل فقر، قومیت یا جغرافیا باید کاهش یابد. برای مثال، در جایی که مشکل اصلی مسافت است (مانند مناطق روستایی افغانستان)، ساخت مدارس بیشتر در مناطق دورافتاده می‌تواند این شکاف جنسیتی را کاهش دهد. اگر به خاطر وضعیت بعضی مناطق فرستادن دختران به مدارس برای خانواده‌ها دشوار یا پرهزینه باشد، مداخلاتی مانند پرداخت‌های نقدی مشروط به حضور در مدرسه، می‌تواند به ادامه تحصیل دختران خانواده‌های کم‌درآمد. راه‌حل‌های نقدی مشروط به افزایش نرخ ثبت نام دختران در کشورهای مختلف مانند مکزیک، ترکیه و پاکستان موفق بوده است (بانک جهانی، ۲۰۱۱).

برای گسترش دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی، باید شکاف‌های درآمدی و بهره‌وری اقتصادی بین زنان و مردان در ترکیب با بعضی از سیاست‌ها از میان برود. راه‌حل‌های این مشکل می‌تواند شامل آزاد کردن وقت زنان باشد تا بتوانند در خارج از خانه کار کنند - برای مثال، با پرداخت یارانه برای مراقبت از کودکان، مانند کاری که در کلمبیا انجام می‌شود یا بهبود دسترسی زنان به اعتبارات مالی، مانند بنگلادش و اطمینان از دسترسی به منابع تولیدی - به ویژه زمین - مانند اتیوپی، که امروز در آن مالکیت زمین به صورت مشترک به هر یک از زوجها اعطا می‌شود. پرداختن به فقدان اطلاعات در مورد بهره‌وری زنان در محیط کار و حذف سوگیری‌های سازمانی علیه زنان، فرصت‌های اقتصادی را برای زنان باز می‌کند. به‌عنوان مثال با معرفی سهمیه‌هایی که به نفع زنان



برای رساندن صدای زنان به گوش جامعه می توان سهمیه های نمایندگی سیاسی در اختیارشان گذاشت، رهبران زن را برای آینده آموزش داد و مشارکت زنان در اتحادیه های کارگری و انجمن های حرفه ای را افزایش داد.

است یا برنامه های کاریابی مانند کاری که در اردن انجام شده است. برای کاهش تبعیض جنسیتی در خانواده و جامعه، سیاستها باید به تأثیر ترکیبی هنجارها و باورهای اجتماعی، دسترسی زنان به فرصت های اقتصادی، چارچوب قانونی و آموزش زنان بپردازند. مهم است اقداماتی انجام شود تا کنترل زنان را بر منابع خانوار افزایش دهد و قوانینی وضع شود که توانایی آن ها را برای

انباشت دارایی، به ویژه با تقویت حقوق مالکیت افزایش دهد. اصلاحات اخیر قانون خانواده در مراکش باعث شد مالکیت زن و شوهر بر اموال به دست آمده در طول ازدواج برابر شود و به این ترتیب حقوق مالکیت زنان را تقویت کرد.

برای رساندن صدای زنان به گوش جامعه می توان سهمیه های نمایندگی سیاسی در اختیارشان گذاشت، رهبران زن را برای آینده آموزش داد و مشارکت زنان در اتحادیه های کارگری و انجمن های حرفه ای را افزایش داد. برای از میان برداشتن نابرابری جنسیتی در طول زمان، باید از نوجوانان و جوانان شروع کرد. تصمیماتی که در این مرحله از زندگی گرفته می شود، تعیین کننده مهارت ها، سلامتی، فرصت های اقتصادی و آرزوهای آن ها در بزرگسالی است. سیاستها باید با تأکید بر ایجاد سرمایه های انسانی و اجتماعی از تداوم شکاف های جنسیتی در طول زمان جلوگیری کنند (مانند جمهوری مالاوی که برای ماندن دختران در مدرسه یا بازگشت آن ها به تحصیل نقل و انتقالات مالی انجام داد). این سیاستها همچنین باید به زنان و دختران کمک کنند بلافاصله بعد از اتمام تحصیل شغل پیدا کنند (مانند برنامه های آموزش مهارت های شغلی و زندگی برای زنان جوان در اوگاندا) و خواسته های آن ها را ارتقا دهند (مانند معرفی رهبران سیاسی زن هندوستان به عنوان الگویی برای دختران هندی). سیاست های داخلی هر کشور بسیار مهم هستند، اما جامعه بین المللی می تواند تلاش خودش را در هر یک از این حوزه های اولویت دار انجام دهد. این امر مستلزم ترکیبی از بودجه بیشتر، تلاش های هماهنگ برای

تقویت نوآوری و یادگیری و مشارکت‌های موثرتر است. این بودجه‌ها باید به فقیرترین کشورها اختصاص یابد تا اقداماتی برای کاهش نرخ بالای مرگومیر دختران و زنان (از طریق سرمایه‌گذاری در آب پاک و سرویس‌های بهداشتی و خدمات بارداری) و کاهش شکاف‌های جنسیتی مداوم در آموزش انجام شود. مشارکت‌ها همچنین باید فراتر از مشارکت بین دولت‌ها و آژانس‌های توسعه باشد و بخش خصوصی، سازمان‌های جامعه مدنی و مؤسسات دانشگاهی در کشورهای در حال توسعه و ثروتمند را شامل شود. گرچه هنوز باید اقدامات زیادی انجام شود، دنیا در نهایت به تاثیرات خوب برابری جنسیتی پی برده است. رفته‌رفته همه ما متوجه خواهیم شد که از میان برداشتن شکاف‌های

جنسیتی به نفع همه خواهد بود. مردی از هانوی ویتنام، یکی از هزاران نفری که در نظرسنجی گزارش توسعه جهانی شرکت کرد، می‌گوید: «فکر می‌کنم امروز زنان به سطح خوبی از برابری با مردان رسیده‌اند. آن‌ها می‌توانند هر شغلی که دوست دارند داشته باشند. آن‌ها بسیار قوی هستند. در برخی خانواده‌ها زن قدرتمندترین فرد است. به طور کلی، مردان همچنان بر خیلی چیزها تسلط دارند، اما وضعیت زنان بسیار بهبود یافته است. همکاری برابر بین زن و شوهر خود خوشبختی است. من فکر می‌کنم خوشبختی زمانی است که بین یک زوج برابری وجود داشته باشد.»^۹

۹- این مقاله بر اساس گزارش ۲۰۱۲ بانک جهانی با عنوان گزارش توسعه جهانی: برابری و توسعه جنسیتی تهیه شده است.



MEHR

Photo: Hamid Sadeghi

MEHR NEWS AGENCY

● منبع تصویر: نخستین زن معدن کار www.mehrnews.com



● منبع تصویر: رکورداران نرخ بیکاری زنان در میان استان‌ها www.fararu.com

در طول قرن بیستم، شغل زنان و آموزش آنان طبق آنچه کلودیا گلدین، اقتصاددان، «انقلاب آرام» نامیده، دگرگون شد. زنان با مشارکت در خانواده، محیط کار و جامعه به احساس ارزشمندی بیشتری دست یافتند و درآمد آن‌ها بیشتر مکمل درآمد همسر بود تا جایگزین آن. با این حال زنان در کشورهای در حال توسعه هنوز از تجربه چنین تغییری فاصله دارند، زیرا حدود ۶۰ درصد از آن‌ها همچنان در بخش‌های غیررسمی مشغول به کار هستند.

بریده‌ای از متن توانمندسازی زنان؛ چرا و چگونه؟



توانمندسازی زنان؛ چرا و چگونه؟

درباره کمک به زنان در کشورهای در حال توسعه
برای گذار از مشاغل غیر تخصصی به مشاغل تخصصی

مترجم: یلدا دنیائی مبرز

پژوهشگر

زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان می توانند دوشادوش مردان با مشارکت فعال در بازار کار به حرکت بیشتر چرخ های اقتصاد کمک کرده و نقش مهمی در رشد و توسعه اقتصادی جوامع ایفا کنند. با این وجود زنان در جوامع مختلف به دلایلی مانند مسئولیت خانوادگی، آموزش ناکافی، تبعیض و نابرابری های جنسیتی و عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، فرصت های شغلی محدودتری نسبت به مردان دارند و اغلب در مشاغل ساده تری که نیاز به آموزش خاصی ندارند به فعالیت می پردازند. مشاغلی که علاوه بر سطح درآمد پایین، چشم انداز روشنی نیز برای رشد و ارتقا ندارند. در این بین مشارکت پایین زنان یا انزوای آنان از فضای کارآفرینی و مدیریت، به مردانه شدن هرچه بیشتر چهره بازارهای کسب و کار و همچنین نادیده انگاشتن نیمی از سرمایه های انسانی جوامع می انجامد. این در حالی است که برای دستیابی به ابعاد مختلف توسعه، توانمندسازی زنان، بازنگری در نقش و جایگاه آنان به عنوان فعال اقتصادی و گذار از مشاغل غیر تخصصی به مشاغل تخصصی، نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. با این مقدمه کوتاه به سراغ گزارشی از بانک جهانی پیرامون راه های پایان فقر در جنوب آسیا خواهیم رفت.^۱

۱- متن حاضر ترجمه ای است از:

Helping women in developing countries transition from jobs to careers
www.blogs.worldbank.org



● منبع تصویر: زنان کشاورز نقش زیادی در تولید محصولات کشاورزی و امنیت غذایی دارند www.irna.ir

اشتغال زنان؛ انقلاب آرام

در طول قرن بیستم، شغل زنان و آموزش آنان طبق آنچه کلودیا گلدین، اقتصاددان، «انقلاب آرام» نامیده، دگرگون شد. زنان با مشارکت در خانواده، محیط کار و جامعه به احساس ارزشمندی بیشتری دست یافتند و درآمد آن‌ها بیشتر مکمل درآمد همسر بود تا جایگزین آن. با این حال زنان در کشورهای در حال توسعه هنوز از تجربه چنین تغییری فاصله دارند، زیرا حدود ۶۰ درصد از آن‌ها همچنان در بخش‌های غیررسمی مشغول به کار هستند. این در حالی است که روی آوردن تعداد بیشتری از زنان به انجام کار رسمی برای توسعه اقتصادی بسیار حیاتی است. در سراسر جهان، ادغام صنایع متمرکز بر زنان، مانند پوشاک، به افزایش مشارکت زنان در نیروی کار کمک کرده است. با این حال باید پرسید که آیا یک استراتژی صادراتی مبتنی بر پوشاک برای ایجاد تغییراتی گسترده‌تر از صرف گذار از مشاغل غیرتخصصی به مشاغل تخصصی، کافی است؟ گزارش جدید بانک جهانی با تجزیه و تحلیل ارتقای مشاغل زنان در کشورهایی مانند بنگلادش، کامبوج،

مصر، پاکستان، سریلانکا، ترکیه و ویتنام که پوشاک برای صادرات آنان حیاتی است، به این پرسش پاسخ می‌دهد. در این کشورها تغییر شغل با موانعی همراه است که زنان را از روی آوردن به مشاغلی با درآمد بهتر و مشارکت طولانی مدت تر باز می‌دارد.

گذار از مشاغل غیرتخصصی به مشاغل تخصصی

صادرات پوشاک و مسیرهای شغلی زنان در کشورهای در حال توسعه به ما یادآوری می‌کند، در حالی که کشورها باید از مزیت صنعت پوشاک برای جذب بیشتر زنان به عنوان نیروی کار استفاده کنند، می‌بایست سیاست‌هایی را هم برای مقابله با سه مانع اصلی زیر که از عوامل بازدارنده اشتغال تخصصی و حرف‌های زنان هستند، اتخاذ کنند:

۱- تقاضای کم برای مشاغل مرتبط با تخصص در بخش خدمات: در کشورهایی با میانگین درآمد پایین، مشاغل کشاورزی و تولیدی که به سطوح تحصیلات ابتدایی یا کمتر نیاز دارند، بیشترین سهم کارگران را به خود اختصاص



می دهند اما در کشورهای پردرآمد، این مشاغل به تحصیلات متوسطه و عالی نیاز دارند و محرک تقاضا برای بازار داخلی محسوب می شوند که به محصولات تولید شده در بازارهای خارجی و مصرف جهانی ارزش افزوده می بخشند. بازده پولی ناشی از اشتغال در مشاغل موجود در کشورهای با میانگین درآمد پایین، شاید برای جذب زنان به عنوان نیروی کار کافی نباشد، به ویژه آن که در مقایسه با دستمزد دریافتی، این مشاغل به آموزش و ساعات کار بیشتری نیاز دارند.

۲- سطح تحصیلات پایین: یک عامل بازدارنده هم برای زنان و هم برای مردان به شمار می رود. همچنین ممکن است حتی زمانی که منحنی توسعه یک کشور سیر صعودی دارد نیز دیده شود. سطح تحصیلات به دلیل ارتباط کامل آن با الزامات هر شغل، صرف نظر از نوع صنعت، بسیار حائز اهمیت است. یافته های ما نشان می دهد که سطح تحصیلات در کشورهای بنگلادش، کامبوج و پاکستان برای پاسخگویی به نیازهای مشاغل مرتبط با تحصیل، به ویژه برای زنان، کافی نیست. اما در کشورهای مصر، سریلانکا، ترکیه و ویتنام، سطح تحصیلات زنان نه تنها کافی است، بلکه برابر یا حتی بالاتر از سطح تحصیلات مردان است. بنابراین به نظر می رسد که تقاضای کم برای صنایع خاص و ناهماهنگی در آموزش و توسعه نیروی کار، مشکل اصلی در این زمینه باشد.

۳- هنجارهای اجتماعی و فرهنگی بازدارنده: این هنجارها در عمل، منجر به اعمال مقررات، قوانین و رفتارهای نامطلوب در محیط کار نسبت به زنان می شوند. در اکثر کشورهای مورد مطالعه ما، برخی از قوانین (به عنوان مثال در مورد

محدودیت های استخدام) توانایی زنان را برای به عهده گرفتن برخی از مشاغل خاص، کسب درآمد و تغییر شغل محدود می کند یا این که این کشورها فاقد حمایت هایی برای محدود کردن تبعیض در محیط کار هستند. در واقع هنجارهای جنسیتی، مشارکت زنان را به عنوان نیروی کار محدود می کنند، فرصت های شغلی آنان را کاهش می دهند و عاملی بازدارنده برای ادامه و استمرار کار زنان به شمار می روند.

راه های ممکن برای نیل به «انقلاب آرام»

کشورهای صادرکننده پوشاک می توانند اقدامات متعددی برای حمایت از توسعه شغلی زنان، انجام دهند. نخست اینکه آن ها می توانند مشارکت کارگران زن را در تولید پوشاک صادراتی و صنایع وابسته، از طریق توجه به حمل و نقل زنان و نگرانی های امنیتی آنان برای رفتن به سر کار، افزایش دهند. آن ها همچنین می توانند از زنانی که دارای تحصیلات متوسطه و بالاتر هستند، در پست های سرپرستی، بیشتر استفاده کنند.

دوم اینکه در کشورهای با درآمد پایین و متوسط، سطح تحصیلات پایین تر زنان نسبت به مردان توضیح دهنده آن است که چرادر کارخانه های تولیدی پوشاک، زنان نسبت به مردان در دستیابی به موقعیت های نیازمند مهارت بالاتر، سهم کمتری دارند. این امر در مورد کشورهایمانند بنگلادش، کامبوج و پاکستان صدق می کند، جایی که سطح تحصیلات هنوز بسیار پایین است و سهم بسیار کمی از نیروی کار زنان، حداقل دارای تحصیلات متوسطه هستند. این در حالی است که داشتن حداقل تحصیلات متوسطه معمولاً برای برآوردن الزامات اساسی جهت ایفای نقش های اداری و نظارتی یا مشاغل



مدیریتی و حرفه ای ضروری است. گسترش دسترسی زنان به آموزش در این کشورها می تواند به گذار موفقیت آمیز از مشاغل غیرتخصصی به مشاغل تخصصی کمک کند. در کشورهایی مانند مصر یا سریلانکا که زنان از سطح تحصیلات بالاتری برخوردار هستند، کمک هزینه تحصیلی برای دختران جوان، بستری را فراهم می کند تا آنان بتوانند به تحصیل خود ادامه دهند و در صنعت پوشاک، مشاغل تخصصی و حرفه ای را دنبال کنند.

سوم اینکه اکثر کشورهای مورد مطالعه ما قوانینی برای تضمین دستمزد برابر یا دسترسی برابر به مشاغل خاص ندارند. در واقع همه کشورها به جز کامبوج یا قوانینی دارند که زنان را از کار در صنایع خاص منع می کنند و یا فاقد قوانین ضد تبعیضی هستند که از زنان در محل کار محافظت می کنند. از این رو دولت ها باید اصلاحاتی پیرامون قوانین خانواده، آزار و اذیت در محل کار، تبعیض در استخدام و دستمزدها و حتی برخی از سیاست های حوزه تجارت (مانند سیاست هایی که می تواند اثرات جنسیتی داشته باشد و به نفع برخی از صنایع تحت اختیار زنان مانند پوشاک باشد) در دستور کار خود قرار دهند.

با کمک این سیاست های مبتنی بر شواهد بدون نیاز به گذشت مدت زمان زیادی، یک «انقلاب آرام» برای دگرگونی اشتغال زنان در کشورهای در حال توسعه رخ خواهد داد.



هدف ما این است تا سرزمینی که متعلق به ماست، جای بهتری برای
زیستن شود. جایی که در آن، همه با هم آشنا هستیم.

هیأت مدیره انجمن توانمندسازی و پیشگیری آشنا

● منبع تصاویر: زنان آتش نشان آماده به کار هستند www.instagram.com/ashnango



آشنا؛ از ایده تا اجرا معرفی انجمن توانمندسازی و پیشگیری آشنا

نویسنده: مهناز کرمی

دانشجوی دکتری رشته جامعه‌شناسی و عضو هیأت‌مدیره انجمن آشنا

انجمن توانمندسازی و پیشگیری آشنا^۱ سازمان غیردولتی، غیرسیاسی و غیرانتفاعی با شخصیت حقوقی مستقل است که در چارچوب قوانین و مقررات کشور و با هدف ترویج و توسعه فرهنگ حقوق شهروندی، جهت توانمندسازی همه اقشار جامعه به ویژه زنان و کودکان آسیب دیده و در معرض آسیب از طریق آموزش و ارتقاء دانش و آگاهی بر مبنای مطالعات پژوهشی و میدانی در راستای کاهش آسیب‌ها، انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و جرم در سطح ملی فعالیت می‌کند.

۱- شعار انجمن آشنا مصرعی از غزل حافظ است که می‌گوید: تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشوی

ایده انجمن آشنا

ایده اولیه انجمن توانمندسازی و پیشگیری آشنا متعلق به لیلا شفاعی بود که پس از فعالیت‌های آموزشی در تشکل نورا^۲ به این نتیجه رسیدند که آموزش در یک سطح برای آگاهی بخشی کافی نیست بلکه فعالیت‌های بین رشته‌ای در این خصوص حائز اهمیت است. ایشان پس از اجرای برنامه‌ای آموزشی در حوزه حقوق در دانشگاه الزهرا و آشنایی با دانش‌آموختگانی در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روانشناسی و پس از برگزاری جلسات متعددی طی مدت دو سال در راستای تدوین اساسنامه انجمنی مردم‌نهاد، پایه‌های تاسیس انجمن آشنا را که متشکل از سه دپارتمان حقوق، جامعه‌شناسی و روانشناسی بود را بنا نهادند. در وبسایت انجمن^۳ آمده است که:

ما دانش‌آموختگان و پژوهشگرانی از رشته‌های حقوق، روانشناسی و جامعه‌شناسی هستیم که در چالش‌های حرفه‌ای خود با آسیب‌های اجتماعی، انواع جرم و نقض حقوق دیگران و مشکلات روانشناختی مختلف، کاستی‌ها و گاه بن‌بست‌هایی را شناسایی کرده‌ایم که از نظر ما، شیوه‌های موجود توان غلبه بر آن‌ها را ندارند. لذا گرد هم آمدیم و به مطالعه، تحقیق و پژوهش در بستری میان‌رشته‌ای پرداختیم تا مکمل ایده‌های یکدیگر باشیم. در این مسیر، تمرکز خود را بر یافتن شیوه‌های نوین و متناسب با وضعیت جامعه ایرانی قرار داده‌ایم.

اهداف آشنا

جامعه هدف این سازمان مردم‌نهاد گروه‌های آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر جامعه به‌ویژه زنان و کودکان هستند. در این راستا فعالیت‌های انجمن در ابتدا به‌صورت پیشنهادهای پژوهشی و آموزشی به سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی آغاز شد. برخی پیشنهادهای ارائه شده به این سازمان‌ها عبارت‌اند از: آموزش‌های عمومی و تخصصی در حوزه مسائل اجتماعی مختلف و با رویکردی بین رشته‌ای در خصوص طرح جامع آموزش زندان‌های کل کشور، آسیب‌شناسی خشونت علیه وکلا، آموزش به مددجویان بنیاد شهید، آموزش به کودکان سازمان آموزش‌های استثنایی کشور و غیره که علی‌رغم رایزنی‌ها و مذاکرات بسیار با مسئولان ذیربط، به دلایل مختلف در مراحل نهایی، مورد پذیرش قرار نگرفتند.

حاصل آموزش‌ها و پژوهش‌های اعضای انجمن، کتابی با عنوان "خشونت علیه زنان"، مقالات مختلف و چندین مصاحبه در حوزه‌های مختلف اجتماعی، روانشناختی و حقوقی است که در وبسایت انجمن قابل دسترسی هستند. در کنار چنین فعالیت‌هایی، آزاد کردن زندانیان و تهیه برخی تجهیزات پزشکی برای بیمارستان‌های مناطق محروم از جمله فعالیت‌های خیرخواهانه این نهاد در سطح ملی بود است.

فعالیت‌های میدانی آشنا

در سال ۱۴۰۱ و با فروکش کردن پاندمی کرونا فعالیت‌های میدانی انجمن در محیط اجتماعی به‌طور رسمی آغاز شد و در سطح درون استانی، گسترش یافت. آغاز فعالیت‌های میدانی آشنا، با ورود به روستایی به نام دانش بود که با

۲- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به

www.instagram.com/noora.union1

۳- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به:

www.ashnango.com

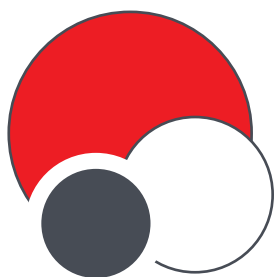
وجود استقرارش در قلب تهران، ساکنانش با مسائل و مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند. هدف از ورود به این روستا نیازسنجی از ساکنان و توان‌افزایی اجتماعی آنان بود اما پس از کسب شناخت از آن منطقه، نیاز ساکنان آن به ضروریات اولیه زندگی چندان چشم‌گیر بود که آموزش به آن‌ها عملی‌فایده به نظر می‌رسید. از این‌رو تهیه ملزومات آموزشی، کفش و لباس گرم برای دانش‌آموزان پیش از شروع آموزش‌های آگاهی‌بخش، ضرورت داشت. بنابراین، پس از جمع‌آوری کمک‌های مردمی، برای ۲۵ دانش‌آموز نیازمند این روستا لوازم مورد نیاز تهیه و توزیع و سپس آموزش‌ها در سطح والدین آغاز شد.

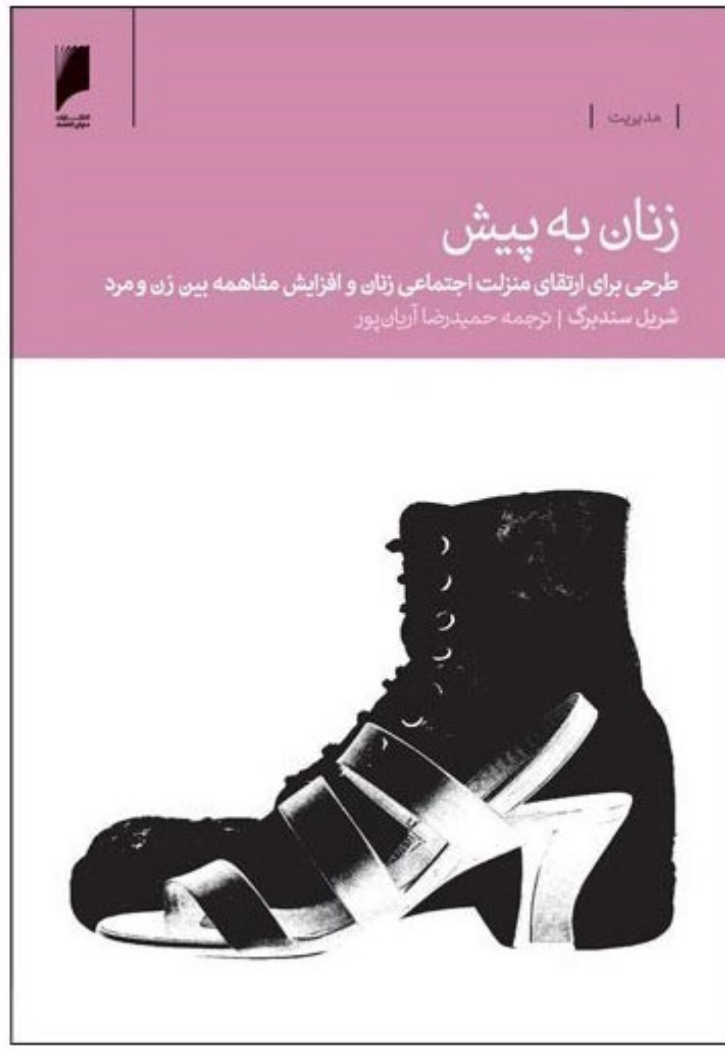
به دلیل نوع آسیب‌ها و مسائل اجتماعی موجود در این منطقه، آموزش‌ها در حوزه روانشناختی در خصوص خودشناسی، در حوزه حقوقی در خصوص قوانین کار، موجد و مستأجر و ... و در حوزه جامعه‌شناختی در خصوص هویت محله‌ای و مسائل جوانان آغاز شد و به صورت دوره‌ای تداوم یافت و مورد استقبال جمعیت قابل توجهی از ساکنان این روستا قرار گرفت، به طوری که اکنون هر کارگاه آموزشی جمعیتی بالغ بر ۷۰ نفر شرکت‌کننده دارد. خروجی چنین فعالیت‌هایی بخصوص در آموزش‌های مربوط به هویت محله‌ای، شناسایی زنان آذری بود که با هنر گلیم‌بافی آشنایی داشتند و می‌توانستند از این طریق برای خود و خانواده‌شان کسب درآمد کنند اما برای تهیه مواد اولیه و اتصال به بازار نیازمند حمایت بودند. از این‌رو خانم دکتر ساناز تبری (جامعه‌شناس) که مدرس این کارگاه بودند و با این هنر آشنایی کافی داشتند، اقدام به گروه‌سازی در میان زنان نامبرده کردند و با حمایت ایشان گروه "نقش‌آشنا" شکل

گرفت و فعالیت اقتصادی آن آغاز شد. این گروه در اینستاگرام نیز صفحه‌ای با عنوان نقش‌آشنا راه اندازی کرده است و محصولات خود را به فروش می‌رساند. همچنین از میان این زنان گروهی نیز شناسایی شدند که توانایی تهیه خوراکی‌های مختلف از قبیل لواشک، رب، ترشی، سبزی و ... را دارند که اکنون با مدیریت خانم ناهید محمدی (روانشناس) مدرس کارگاه‌های آموزشی خودشناسی، با عنوان "طعم‌آشنا" در حال ایجاد ساز و کاری برای فعالیت هستند و در آینده نزدیک فعالیت‌هایشان به‌طور رسمی آغاز می‌شوند. در کارگاه مربوط به مسائل اجتماعی جوانان نیز یکی از مهم‌ترین مسائل و مشکلات مردم این روستا، مسأله اوقات فراغت جوانان بود که باعث بروز آسیب‌های مختلفی در میان آنان شده بود. بدین ترتیب رایزنی به منظور ایجاد فضایی برای بازی و گذران اوقات فراغت کودکان، نوجوانان و جوانان در روستا، در دستور کار انجمن قرار گرفت که در آینده نزدیک بوسیله خانم مهناز کرمی (دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی) مدرس کارگاه آموزشی مسائل اجتماعی جوانان، به مرحله اجرا خواهد رسید.

۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به:

www.instagram.com/naghsh.ashna





«این یک کتاب شرح حال نیست، گرچه داستان‌هایی از زندگی‌ام را در آن گنجانده‌ام. یک کتاب خودآموز نیست، گرچه حقیقتاً امیدوارم کمک‌کننده باشد. یک کتاب مدیریت شغلی نیست، گرچه در این حوزه هم توصیه‌هایی ارائه می‌کنم. این بیانیه‌ای فمینیستی هم نیست و حتی اگر باشد مانیفستی است که امید دارم به اندازه زنان برای مردان هم الهام‌بخش باشد. این کتاب هر چه هست، آن را برای هر زنی می‌نویسم که می‌خواهد بختش را برای رسیدن به رده‌های بالای زمینه کاری خود یا پیگیری جدی هر هدفی افزایش دهد. این امر شامل زنان در تمام مراحل زندگی و کار می‌شود، از آنانی که تازه اقدام کرده‌اند تا آنانی که در حال استراحت‌اند تا دوباره به میدان بازگردند. همچنین این کتاب را برای هر مردی می‌نویسم که می‌خواهد درک کند که یک زن-همکار، همسر، مادر یا دختر- چه در سر دارد تا آن مرد بتواند نقش خود را برای ساختن جهانی برابر ایفا کند.»

شریل سندبرگ
از مقدمه کتاب زنان به پیش



زنان به پیش!

معرفی کتاب زنان به پیش اثر شریل سندبرگ
طرحی برای ارتقای منزلت اجتماعی زنان و افزایش مفاهمه بین زن و مرد

نویسنده: ماهرخ صادقی

پژوهشگر

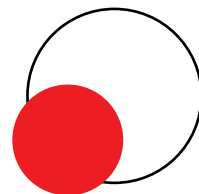
پرفروش‌ترین کتاب سال ۲۰۱۳ آمریکا در حوزه مدیریت، متعلق به «زنان به پیش» طرحی برای ارتقای منزلت اجتماعی زنان و افزایش مفاهمه بین زن و مرد^۱، اثر شریل سندبرگ^۲ است. سندبرگ در هنگام نوشتن این کتاب، جایگاه پنجم را در فهرست «قدرتمندترین زنان جهان» مجله فوربس، داشت. سندبرگ در این کتاب با بازبینی مفاهیم مربوط به تبعیض و کلیشه‌های جنسیتی، به ارائه راه‌حلهایی برای عبور از این کلیشه‌ها و پذیرفتن زنان در نقش‌های جدید برای اثرگذاری بیشتر آنان در جامعه می‌پردازد. سندبرگ معتقد است که این کتاب، شرح حال و یا یک راهنمای خودآموز برای به دست آوردن پست‌های مدیریتی برای زنان و یا یک بیانیه فمینیستی نیست. این کتاب برای زنانی نگاشته شده که می‌خواهند بخت خود را برای رسیدن به رویاهایشان، بدون موانع فکری و کلیشه‌های جنسیتی از پیش تعریف شده برای به دست آوردن مراتب بالای مدیریت در مشاغل، بیازمایند.

1- Lean In: Women, Work, and the Will to Lead

این کتاب بوسیله حمیدرضا آریان پور ترجمه و بوسیله انتشارات دنیای اقتصاد چاپ شده است.

www.book.donya-e-eqtasad.com

2- Sheryl Sandberg



کتاب به درونی کردن انقلاب فکری در زنان و حقوق از دست رفته آنان در محیط کار هم اشاره می‌کند. بحث را با بارداری زنان شروع می‌کند که فضای مناسب در محیط کار برای آنان طراحی نشده است. اینکه زنان باید برای دستیابی به شرایط ویژه خود در زمانی که نیاز به همیاری دارند، سازمان را مطلع کنند تا خدمات ویژه‌ای برای آنان در نظر بگیرند و بتوانند بر موانع شغلی در زمان‌های خاص مثل بارداری غلبه کنند.

سندبرگ توضیح می‌دهد که زنان چگونه به طور ناخواسته از پیشرفت شغلی باز می‌مانند. او زنان را تشویق می‌کند که پشت میز مدیریت بنشینند، به دنبال چالش باشند، خطر کنند و اهداف خود را با اشتیاق پی بگیرند. شریل از روایت‌های الهام‌بخش شخصی در زندگی خود و داده‌های آماری دقیق استفاده کرده و آن را با نتایج پژوهش‌های کمی و کیفی در هم می‌آمیزد تا کتابی دلپذیر، قابل فهم، مستند، با شیوه روایی گیرا به خوانندگان ارائه دهد و باورهای زیستی و شناختی خود را با این نتایج قانع کننده ترکیب کند تا بتواند باور عموم را از آنچه زنان نمی‌توانند انجام دهند به آنچه که می‌توانند انجام دهند، تغییر دهد.

خواندن این کتاب می‌تواند برای خواننده ایرانی هم سودمند باشد. نخست آنکه وضعیت بیشتر جوامع به لحاظ موانعی که سنت و در مواردی مدرنیته پیش پای زنان می‌گذارد، شبیه به کشور ماست. این که شمار بسیار زیاد دختران در دانشگاه‌ها موجب نشده است که تعداد قابل توجهی از زنان به پست‌های مدیریت ارشد دست یابند، این که فشار بسیار زیادی روی دختران هست که بیش از هر چیزی به ازدواج بیندیشند. از طرفی مردان هم می‌توانند خواننده این کتاب باشند؛ به این دلیل که کتاب به اهمیت

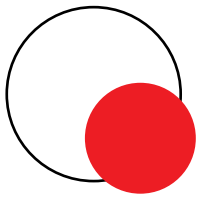
حذف تبعیض علیه مادران، خواهران، دختران و همسران نیز می‌پردازد. سندبرگ در یازده فصل به بررسی موانعی می‌پردازد که زنان را از دستیابی به ظرفیت‌های وجودی خود در محیط کار باز می‌دارد. با حکایات و تجربیات شخصی، توصیه‌های عملی در مورد فنون مذاکره، مربیگری و ایجاد یک شغل رضایت‌بخش به زنان ارائه می‌دهد، تا مسئولیت مشاغل خود را بر عهده بگیرند و در کسب‌وکار خود رهبر شوند.

۱- شکاف در جاه‌طلبی برای مدیریت:

این پرسش را مطرح می‌کند که چرا زنان توانمند ترجیح می‌دهند شغل خود را به خاطر شرایط خاص ترک کنند و خانه‌دار شوند؟ سندبرگ باور دارد استاندارد دوگانه باعث می‌شود جاه‌طلبی به عنوان یک ویژگی منفی در زنان تلقی شود در حالی که در مردان یک ویژگی مثبت قلمداد می‌شود. در واقع خروج زنان تحصیل کرده از بازار کار، عامل عمده شکاف جنسیتی است.

۲- موفقیت و قابلیت دوست داشته شدن:

در مورد مردان به طور مثبت و در مورد زنان به طور منفی به هم وابسته‌اند. وقتی مردی موفق است، هم زنان و هم مردان او را دوست دارند. وقتی زنی موفق است، افراد هر دو جنس او را کمتر دوست دارند. سندبرگ باور دارد که این دلیل اصلی چرایی عقب ماندن زنان است. در نوامبر ۲۰۱۱، مجله سان فرانسیسکو ضمن ارائه گزارشی، تصاویری از کارآفرینان زن مستقر در سیلیکون ولی منتشر کرد که در آن سر زنان مورد نظر بر بدن‌های مردانه گذاشته شده بود! این یعنی تنها لباسی که آن‌ها برای کارآفرینی موفق تصور می‌کردند، کتوشلوار و کراوات مردانه بود. با این توضیح فرهنگ کار باید تصویری نو از موفقیت زنان ارائه دهد که مردانه نباشد.



۳- پشت میز بنشینید:

سندبرگ می‌گوید زنان تحت فشار قرار می‌گیرند تا در مورد دستاوردهای خود صحبت نکنند. شریل از اصطلاحات جالبی در این کتاب استفاده می‌کند که یکی از آن‌ها پدیده اجتماعی - روانشناختی به نام «تهدید قالب ذهنی» است. او معتقد است قالب‌های ذهنی جنسیتی معرفی شده در طول زندگی ما محکم و مقدس می‌شوند. بیشتر مناصب مدیریتی متعلق به مردان است پس از زنان انتظار نمی‌رود که به آن‌ها برسند و این یکی از دلایلی است که به آن مناصب نمی‌رسند. در مورد دستمزد هم همینطور است. او ترس زنان را ریشه بسیاری از موانعی می‌داند که زنان با آن برای رشد و اثرگذاری بیشتر روبه‌رو هستند.

۴- تونل سرسره، نه نردبان:

سندبرگ در این فصل از قیاس تونل سرسره استفاده می‌کند. روی یک نردبان، تنها یک راه به سمت بالا وجود دارد، اما با یک سرسره، مسیرهای مختلفی وجود دارد که می‌توانید برای رسیدن به بالا، آن را طی کنید، چرا که پیشرفت در حرفه، مانند یک جاده پر پیچ‌وخم است.

۵- شما مشاور راهنمای من هستید؟

سندبرگ می‌گوید به همان اندازه که مشاوران راهنما مفید هستند، در عین حال به زنان ما می‌آموزد که بیش از حد به دیگران وابسته نباشیم. در عوض او زنان را به انتخاب مشاور بر اساس عملکرد و پتانسیل، تشویق می‌کند.

۶- حقیقت را بجویید و بگویید:

نویسنده به عنوان یکی از مدیران ارشد فیسبوک، می‌گوید که همراه با دیگران تلاش کرده است تا فیسبوک را به سازمانی غیر سلسله مراتبی تبدیل

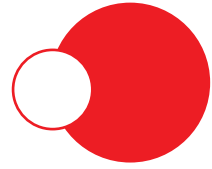
کند که در آن همه آزادانه افکار و انتقادات خود را بیان کنند و در این راستا به روایت تجربیات خود در مواجهه با همکاران خود می‌پردازد.

۷- پیش از آنکه بروید، نروید:

اغلب زنان به خاطر خانواده از پیشرفت شغلی خود چشم‌پوشی می‌کنند. سندبرگ بیان می‌کند که به عنوان یک مدیر استخدام و ارتقاء، او اغلب از زنان شاغل در فیسبوک در سن خاصی می‌پرسید که آیا قصد دارند بچه‌دار شوند یا خیر؟ سندبرگ می‌گوید از قوانین تبعیض آمیز علیه زنانی که برای بچه‌دار شدن به مرخصی نیاز دارند، سر باز می‌زند؛ چرا که می‌خواهد کارمندان زن ترسی برای بچه‌دار شدن و بارداری نداشته باشند.

۸- شریک زندگی خود را به یک شریک واقعی تبدیل کنید:

نویسنده مفهوم «والد تعیین شده» را بیان می‌کند که شخصی است که بیشترین مراقبت از کودک را انجام می‌دهد و معمولاً زن است. انتخاب همسر یک انتخاب مهم در موفقیت شغلی یک زن است. با این حال، داشتن شوهری که از رویاهای همسرش حمایت می‌کند به همان اندازه مهم است که زن از رویاهای شغلی شوهرش حمایت می‌کند. نویسنده به شدت از استفاده ابزاری از زنان انتقاد می‌کند و آن را از موانع موفقیت زنان می‌شمارد. او همچنین بسیار به ازدواج، خانواده و تربیت فرزندان اهمیت می‌دهد. به پسندیده بودن ازدواج در صورت انتخاب درست اشاره می‌کند اما هشدار می‌دهد که با فشار آوردن به دختران برای ازدواج، باعث ایجاد پیامدهای منفی بعد از ازدواج، مثل تجربه طلاق نشوند.



۹- افسانه همه کار کردن:

بی ادبانه ترین سوآلی که مردم به طور مرتب از زنان می پرسند این است که "چگونه همه کارها را با هم انجام می دهید؟" زیرا فرض بر این است که زنی که در تجارت به موفقیت می رسد نباید زمانی را برای گذراندن با خانواده داشته باشد اما مشابه این سؤال از مردان پرسیده نمی شود.

۱۰- بیایید گفت و گو در این باره را آغاز کنیم:

نویسنده داستان های تلخی را بیان می کند که او را برای به عهده گرفتن فعالیت هایش مورد تمسخر قرار می دادند. در عین حال نمونه های از مدیر عاملی که تلاش می کند از زنان در برابر تبعیض جنسیتی در محل کار دفاع کند، آورده شده است.

۱۱- همکاری برای برابری:

سندبرگ یادآوری می کند که زنان نسبت به مردان در محل کار تحت نظارت بیشتری قرار می گیرند.

او معتقد است راه برای برداشتن موانع پیشرفت و برابری در مشاغل برای زنان بسیار طولانی است؛ چرا که حقیقت این است که هنوز مردان جهان را اداره می کنند. از ۱۹۵ کشور مستقل جهان، تنها ۱۷ کشور بوسیله زنان رهبری می شوند. در یک دنیای برابر، زنان نیمی از کشورها و شرکتها را اداره کنند و مردان نیمی از کارهای خانه را. شریل سندبرگ باور دارد ما امروز بر شانه های زنانی ایستاده ایم که پیش از ما آمدند. زنانی که برای حقوقی که ما اکنون از آن برخورداریم جنگیدند. پس ما هم بهتر است که قدم برداریم و بخشی از این تغییر باشیم.

شریل سندبرگ باور دارد ما امروز بر شانه های زنانی ایستاده ایم که پیش از ما آمدند. زنانی که برای حقوقی که ما اکنون از آن برخورداریم جنگیدند. پس ما هم بهتر است که قدم برداریم و بخشی از این تغییر باشیم.





شبکه اجتماعی کتاب‌دوستان

بهخوان فضایی برای کتابخوان‌هاست تا همدیگر را پیدا کنند و درباره کتاب‌ها حرف بزنند.

به ما بپیوندید

بهخوان
BEKHAAN.ir

کلیک کنید

شبکه‌ی اجتماعی کتاب‌دوستان

بهخوان، با شروع کارش در آذر ۱۴۰۰، اولین شبکه اجتماعی کتاب‌دوستان و کتابخوانان در ایران با کامل‌ترین دیتابیس کتاب‌های فارسی (حاوی اطلاعات بیش از یک میلیون کتاب) است که به مرور زمان اطلاعات کتاب‌های دیگر هم به آن اضافه می‌شود. بهخوان تلاش می‌کند فضایی فراهم کند برای تبادل نظر درباره کتاب‌ها. فضایی که در آن می‌توانید درباره کتاب‌ها بنویسید. به آن‌ها امتیاز بدهید. دوستانتان را پیدا کنید و کتاب محبوب بعدی‌تان را کشف کنید. بهخوان با فعالیت کاربران خود معنا پیدا می‌کند. هرآنچه درباره کتاب‌ها می‌نویسیم و می‌خوانیم و به اشتراک می‌گذاریم، بهخوان را به مرجعی جامع‌تر برای کشف دنیای کتاب‌ها تبدیل می‌کند. اگر باور دارید که جهان با تعامل سلیقه‌ها و اندیشه‌های گوناگون به جای بهتری تبدیل می‌شود، شما هم به بهخوان بپیوندید؛ برای خاطر کتاب‌ها.

بخش دوم
کارآفرینی در ایران



زنان، چه به صورت زیرکانه و چه پر سر و صدا، همیشه در سرنوشت جهان قدرت فوق العاده ای داشته اند.

النور روزولت
سیاستمدار آمریکایی

Eleanor Roosevelt
www.en.wikipedia.org

منبع تصویر:



زنان و توسعه

نگاهی به نقش آفرینی زنان در دستیابی به توسعه

نویسنده: سهراب دل انگیزان

دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه

اصولا زنان نقش بزرگی را در جامعه انسانی بر عهده دارند. اینکه نصف جمعیت جهان را زنان تشکیل می دهند و بیش از نصف تقاضای کالاهای مصرفی مربوط به آنان است، خود به تنهایی موضوع مهمی است و باید در جای دیگری بررسی شود. با این حال زنان عمیقا و اصالتا در برخی از وظایف و نقش ها بهتر از مردان هستند. همه ما نقش معلمین زن را در دوران ابتدایی و مخصوصا در سال های نخست این دوره مهم می دانیم و حتی تجربه خاطره انگیز داریم. به همین سیاق پزشکان و پرستاران زنی که کودکان با آن ها رابطه بهتر و عمیق تری دارند. در این بین نباید نویسندگان، هنرپیشگان و هنرمندانی که روح و احساسات عمیق انسانی را به جامعه هدیه می دهند، یا از معماران و مهندسان که روح پروژه های عمرانی را لطیف تر از برگ گل طراحی می کنند و یا کارمندان زنی که محیط ادارات را برای مراجعین، انسانی و محترمانه جلوه می دهند. نادیده گرفت. با این وجود توسعه را در یک جامعه باید بر اساس توانمندی و حضور مؤثر زنان در جامعه تعریف کرد.

حضور پررنگ تر زنان در یک جامعه نشان دهنده پذیرندگی بالای آن جامعه نسبت به حقوق زنان به عنوان انسان هایی آزاد، مستقل و مؤثر در جامعه است. به بیانی دیگر جوامعی در توسعه پیشتر و پیشروتر هستند که زنانی تحصیلکرده تر، فعال تر، با نرخ اشتغال بالاتر و حاضر در همه مشاغل مدیریتی و تخصصی بالاتری داشته باشند. لذا نسبت توسعه و رشد مرتبه زنان نسبتی همسو و به شدت هم افزاست. یعنی توسعه بیشتر، مرتبه بیشتری برای زنان به ارمغان می آورد و زنان دارای مرتبه، اثر مستقیم و شتاب دهنده بر توسعه می گذارند.

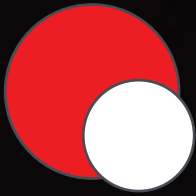
زنان علیه فقر

از مهمترین حوزه هایی که توسعه در کشورهای در حال توسعه سعی در زدودن آن دارد، چهره کریه فقر است. جایگاه زنان در این حوزه هم بسیار مهم و قابل توجه است. برنامه های توسعه زنان شامل تحصیلات بالاتر، مهارت های زیست اقتصادی و اجتماعی بهتر و موفق تر، استقلال مالی و تحرک و تعامل آن ها برای جذب در کارآفرینی و اقتصادهای محلی و کسب و کارهای کوچک محلی، یکی از مهمترین بخش های برنامه های فقر زدایی است که در راستای توسعه تعریف شده و با توسعه زنان شروع می گردد. همان طور که پیش از این گفته شد پذیرش مهارت، تخصص و مدیریت زنان در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه، نشان دهنده ظرفیت یافتگی بالاتر زنان آن جامعه است و همین مسأله عاملی است که زنان کنشگر

با ایجاد انگیزه به عنوان الگوهای موفق در مدیریت های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و کسب و کار، زمینه جذب زنان بیشتری در دانشگاه ها، مهارت آموزی، ورود به رقابت های مشروع و در مسیر توسعه امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را فراهم آورند.

زنان کارآفرین در خدمت توسعه

حوزه کارآفرینی زنان نیز یکی از بخش های اثرگذار و شاخصی است که هرگاه در جامعه ای در سطوح مختلف ظاهر گردد، نشان دهنده رسیدن آن جامعه به سطوح مشخصی از توسعه خواهد بود. امروزه زنان کارآفرین در جوامع پیشرفته جهان قابلیت ها و توانمندی هایی بسیار بالا از خود نشان داده اند و برندهایی بسیار ارزشمند و قابل اعتماد را در عرصه های مختلف به جهان معرفی کرده اند. در عرصه های کارآفرینی اجتماعی نیز بسیاری از فعالیت های دوستدار محیط زیست و فقر زدایی و یا نوع دوستانه برای جوامع فقیر از طرف زنان بزرگ آغاز و پیگیری شده است. در داخل کشور نیز وجود زنانی چون هایدی شیرزادی "مادر زمین" و نقش اساسی ایشان در حوزه معرفی و توسعه صنعت بازیافت در ایران، جایگاه والایی در نقش آفرینی زنان در امور اقتصادی و اجتماعی ایران و جهان تعریف و ایجاد کرده است. به همین سیاق همه زنان توانمند عضو انجمن و کانون زنان کارآفرین کشور که نشان داده اند در همه عرصه ها از قابلیت و توانمندی همپا و در مواردی بیشتر از مردان، برخوردارند.



در میدان های ورزشی نیز تیم های ورزشی زنان هر روز جامعه ایرانی را با شگفتی های جدیدی مواجه می سازند. از فوتبال سالنی گرفته تا والیبال، از وزنه برداری تا دو و میدانی، از ورزش های رزمی تا شطرنج، این رقابت های زنان ایرانی است که هر روز در میدان های جهانی از شایستگی و تقاضای پذیرش و پذیرندگی آنان در حوزه های متعدد و پیشرفته امروزی را نشان می دهد. در ایران از دهه هفتاد خورشیدی به این سو، جمعیت زنان در پذیرش و تحصیلات دانشگاهی از مردان پیشی گرفته است و در دهه هشتاد و نود این سهم به بالاتر از شصت درصد کل دانشجویان دانشگاه ها رسیده است. در ۵ سال اخیر نیز دوره های تحصیلات تکمیلی و مخصوصا دوره های دکتری دانشگاه ها به نحوه چشم گیری بوسیله زنان پوشش داده شده که لیاقت و توانمندی زنان را در عرصه های علمی به نمایش می گذارد. این روند می تواند نشان دهنده یک جامعه آماده تحول باشد. این افزایش و گسترش توانمندی زنان ایرانی در همه زمینه ها، البته که باید با قوانین و مقررات تسهیل کننده و حمایت کننده بیشتر بوسیله دولت و حاکمیت همراه باشد. در این مسیر البته که نیاز به استمرار و گفتگوهای بسیار و بزرگی است و نباید از آن ها روبرگرداند. مسیر توسعه مسیری پر چالش و ناهموار است که با صبوری و گفتگو قابل هموار سازی است.

● منبع تصویر: ناهید کیانی باز هم طلایی شد. www.khabaronline



● منبع تصویر: گفت‌وگو با سحر بنکدارپور، رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران / حلقه‌ای برای اتصال سنت و نوآوری
www.karangweekly.ir

با نگاهی به تاریخ در خواهیم یافت کشور ما شرایط دشوار مانند جنگ، قحطی، خشکسالی، فساد، نابرابری، تبعیض و ... به خودش زیاد دیده، ولی هر بار ققنوس وار از خاکستر خود بلند شده است. بنابراین، اگر به دنبال برون رفت از بحران‌ها هستیم چاره‌ای جز رجوع به تاریخ و عبرت آموزی از آن نیست. قطعاً برای رسیدن به شرایط مطلوب دالان بسیار تنگ و تاریکی را باید طی کرد اما اگر نگاه مثبتی به این مسیر داشته باشیم و بتوانیم هم افزایی بین افراد شکل دهیم، این مسیر به خوبی طی خواهد شد. در این راستا باید تاکید کنم که قطعاً یکی از راه‌هایی که می‌توان از طریق خلق ارزش ایجاد هم افزایی کرد و همچنین حس توانمندی و حمایتگری را در افراد ایجاد کرد کارآفرینی است.

بریده‌ای از گفتگو با دکتر سحر بنکدارپور

رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران



کارآفرینی در ایران؛ خانه‌ای روی آب؟

درباره امکان و نقش کارآفرینی در ایران

در گفتگو با دکتر سحر بنکدارپور

رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران

مصاحبه کننده: سپهر ساگری

پژوهشگر

به جرات می‌توان گفت که کمتر روزی است که با خبری منفی روبرو نشویم. در بهترین حالت به صورت هفتگی خبری از تعطیلی این استارت‌آپ یا مهاجرت آن متخصص می‌شنویم. در چنین جوی می‌توان به ماندن و ساختن امیدوار بود؟ وقتی صاحبین تخصص بر رفتن تاکید دارند و صاحبین سرمایه عموماً برای حفظ سرمایه خود به سمت بازارهایی چون مسکن و ارز تمایل دارند (یا بهتر است بگوییم سوق داده می‌شوند)، عقلایی است وارد عرصه کارآفرینی شویم؟ برای پاسخ به این دست پرسش‌ها خدمت خانم دکتر سحر بنکدارپور رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران رسیدیم تا نظرات ایشان را جویا شویم.



جای نگرانی نیست اما مشکل درست زمانی آغاز می‌شود که افراد در بلندمدت امید خود را به آینده و به بهبود شرایط از دست می‌دهند و اوج این مشکلات جایی نمود پیدا می‌کند که بخش بزرگی از یک جامعه دیگر امیدی به بازگشت روزهای خوب و روشن نداشته باشند. در این وضعیت ناامیدی، دیگر کسی به اهداف بلند خود فکر نمی‌کند و آن‌ها را آرزوی دست نیافتنی می‌بیند که این موضوع با بهره‌وری رابطه مستقیمی دارد.

از طرف دیگر ویژگی دنیای امروز انتشار گسترده خطرانی است که خود سبب شکل‌گیری «فرهنگ ترس» شده‌اند: ترس از آینده. این ترس، مهم‌ترین عاملی است که فرهنگ امید و به تبع آن رویای زندگی در یک جامعه مطلوب را به عقب می‌راند. البته ترس احساس جدیدی نیست اما به نظر می‌رسد ماهیت آن در دهه‌های اخیر تغییر پیدا کرده است. ابداع تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌رغم امیدهایی که با خود به ارمغان آورده، تنش‌ها و ترس‌های زیادی را نیز بر روح و روان مردم تحمیل کرده است. به این ترتیب که در زمان کم، حجم بسیار زیاد داده به یک باره در اختیار انسان‌ها قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی تمیز دادن داده‌های کذب از داده‌های حقیقی بسیار دشوار است و تحلیل داده‌ها نیز کاری دشوارتر که این خود باعث ایجاد ترس و به تبع آن ناامیدی در افراد می‌شود.

به هر حال علت گسترش آینده‌هراسی و ناامیدی در جامعه هرچه باشد، پیامدهای آن هزینه سنگینی را نه فقط بر افراد که بر اقتصاد، سیاست و جامعه تحمیل خواهد کرد. در این مواقع، تنها افرادی می‌توانند به سمت مثبت جریان حرکت کنند و از عواقب احساسات و

خانم دکتر بنکدارپور در مورد وضعیت کشور و افزایش تمایل به مهاجرت بسیار گفته و شنیده ایم. با این حال نمی‌توان منکر شد که کم نیستند کسانی که مانده‌اند و کسب و کاری راه انداخته‌اند کم‌اینکه فقط اتاق بازرگانی تهران حدود بیست هزار عضو دارد. با این توضیح به نظر شما می‌توان به ماندن و ساختن امیدوارم بود؟

خیلی وقت است که زنگ خطر برای سرمایه اجتماعی ایران به صدا درآمده اما انگار هنوز بسیاری آن را جدی نگرفته‌اند و خودشان را به نشنیدن می‌زنند. آمارها از مهاجرت جوانان، نخبگان و متخصصان هرروز به گوش می‌رسد، دیگر کارآفرینان تمایل چندانی به کارآفرینی و سرمایه‌داران جرات سرمایه‌گذاری در شرایط پرریسک و غیر قابل پیش بینی ندارند. نابهنجاری‌های اجتماعی، شیوع یاس و ناامیدی در میان جوانان مواردی است که جامعه شناسان و متخصصان مدام آن را هشدار می‌دهند. گزارش‌ها حکایت از آن دارد که چالش ناامیدی نسبت به آینده از جمله ۱۰۰ چالشی است که تمامی دیگر متغیرها آن را تشدید می‌کند. متغیرهایی مثل بیکاری، بحران ازدواج، جدایی، حقوق شهروندی، مناقشات حقوق زنان، بحران محیط زیست، گسترش فساد، تقلب‌های علمی و بسیاری دیگر از مسائل اجتماعی و اقتصادی همگی زمینه‌ساز و تشدیدکننده متغیر ناامیدی نسبت به آینده به شمار می‌رود. با در نظر گرفتن این تعاریف در رابطه با امیدواری به ماندن و ساختن نیز باید بگوییم، درست است که استعداد، مهارت، توانمندی و... برای یک فرد سرمایه محسوب می‌شود و قطعاً با ارزش است اما به تنهایی نمی‌تواند او را به مقصد برساند. به نظر می‌رسد تا زمانی که می‌توان به بازگشت امید بعد از دوره‌های کوتاه ناامیدی امیدوار بود

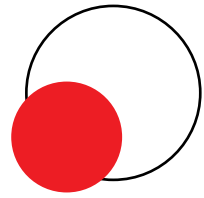


● منبع تصویر: رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران: برگزاری رویداد جذب سرمایه برای استارت‌آپ‌ها

www.tolidvaeghtesad.ir

که با نگاهی به تاریخ خواهیم یافت کشور ما شرایط دشوار مانند جنگ، قحطی، خشکسالی، فساد، نابرابری، تبعیض و ... به خودش زیاد دیده، ولی هر بار ققنوس وار از خاکستر خود بلند شده است. بنابراین، اگر به دنبال برون رفت از بحران‌ها هستیم چاره‌ای جز رجوع به تاریخ و عبرت آموزی از آن نیست. قطعاً برای رسیدن به شرایط مطلوب دالان بسیار تنگ و تاریکی را باید طی کرد اما اگر نگاه مثبتی به این مسیر داشته باشیم و بتوانیم هم افزایی بین افراد شکل دهیم، این مسیر به خوبی طی خواهد شد. در این راستا باید تاکید کنم که قطعاً یکی از راه‌هایی که می‌توان از طریق خلق ارزش ایجاد هم افزایی کرد و همچنین حس توانمندی و حمایتگری را در افراد ایجاد کرد کارآفرینی است. اگر در جامعه از کارآفرینان حمایت شود قطعاً با کمک آن‌ها می‌توان حس امید را در جامعه افزایش داد.

تفکرات منفی پرهیزند که احساس قدرت کرده و جامعه و محیط اطراف خود را حمایت‌گر بپندارند. در دنیایی که پر از هراس است و همه ما از عدم قطعیت‌ها و خطرات پیرامون خود باخبریم تنها حلقه نجاتی که می‌تواند امید را به قلب‌هایمان بازگرداند احساس توانمندی است، توانمندی برای کنترل بر زندگی و شرایط پیرامونی. این احساس نیز تنها در جامعه‌ای شکل می‌گیرد که با آرامش و برابری اداره شده و بر ارزش‌های اصیل نظیر برابری، عدالت اجتماعی، آزادی‌های فردی و ثبات اقتصادی و سیاسی مبتنی باشد. رسیدن به چنین جامعه‌ای رویا نیست چراکه تمامی این ارزش‌ها در ذات بشر وجود دارد و تنها کافی است زمینه بروز و ظهور و رشد این ارزش‌ها فراهم شود. بنابراین توضیحات در پاسخ به سوال شما باید بگویم، متأسفانه در حال حاضر افراد شرایط کنونی کشور را مقایسه کرده و در نتیجه احساس ناامیدی پیدا می‌کنند. این در حالیست

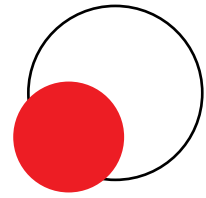


اخیرا جناب دکتر فراستخواه کتابی عنوان کنشگران مرزی منتشر کرده اند که در آن به نقش آفرینی کارآفرینان به عنوان شخصیت های میانجی بین جامعه و حاکمیت اشاره شده است. در حقیقت هدف آن بوده که تاکید شود کارآفرینان با ایده پردازی می توانند ضمن خلق ارزش و ثروت، وضعیت نامناسب کنونی را تغییر دهند. به نظر شما کارآفرینی می تواند عامل تغییر باشد یا خانه ای است روی آب؟

در این کتاب به صراحت گفته می شود همه کارمندان دولت و افراد جامعه این قابلیت را دارند که کنشگر مرزی باشند، به شرط آنکه نگاه ما به رابطه دولت و جامعه تغییر کند. دالان تنگ آزادی از توازن دولت و جامعه قدرتمند ساخته می شود. دولت ضعیف در زمان جامعه قوی به هرج و مرج بدل می شود و دولت قوی، وقتی جامعه ضعیف است، به استبداد و خودکامگی منجر می شود. اما این توازن چگونه حاصل می شود؟ در کتاب گفته شده که باید به جای نگاه هرمی به قدرت، آن را شبکه ای در نظر گرفت یعنی همه ما صاحب قدرت هستیم و هیچ قدرت لایتناهی وجود ندارد. بر این اساس، باید با نگاهی واقع گرایانه به سمت جامعه و دولتی فعال حرکت کنیم، تا هم نظم و ثبات را داشته باشیم، هم بتوانیم به اهداف خود دست پیدا کنیم. یکی از بهترین نقدها پیرامون این کتاب، مربوط به آقای دکتر محمد فاضلی است که گفته اند آزادی محصول به توازن رسیدن قدرت جامعه و حکومت است. این به توازن رسیدن در میدان های قدرت متفاوتی امکان پذیر است و حکومت اگر چه می کوشد بر همه عرصه ها و کنش ها سیطره پیدا کند اما نمی تواند. به این معنا کتاب کنشگران مرزی، تاریخ نتوانستن حکومت هم هست. در کنار آن تاریخ نتوانستن

سطح میانی هم هست. این سطح میانی همان کنشگران مرزی هستند که آقای فراستخواه برخی از آن ها را متمایز می کند، مثل تجار و بازرگانان. حال اجازه دهید این میدان های قدرت را از دید فناوری و نوآوری نگاه کنیم. ما اکنون در عصر صنعت چهارم زندگی می کنیم و چه بسا با پیشرفت روزافزون فناوری در آستانه انقلاب صنعتی پنجم باشیم. پاشنه آشیل صنعت چهارم در جوامع، مساله تقابل سیستم حکمرانی و سیاست گذاری با فناوری و نوآوری است. کشورهای سوار شوند، همگی بر یک عنصر کلیدی مسلط بودند و آن مکانیزم حکمرانی نوآوری است. این تکامل همزمان فناوری و نوآوری از یک طرف و ساختار و سیستم های حکمرانی از طرف دیگر تحت عنوانی به اسم هم تکاملی شکل می گیرد. یعنی تکامل همزمان سیستم سیاست گذاری از یک طرف و فناوری از طرف دیگر که بقای یک سیستم را تضمین می کند. وقتی می گوییم ما نوآوری داریم یا فناوری را توسعه می دهیم یعنی برای بقاء تلاش می کنیم. سیستمی نوآوری





اموری که در حیطه وظایفش است این نظر مشورتی را به سه قوه داده ولی اینکه چقدر این نظرات استفاده شده موضوع دیگری است که در این بحث نمی‌گنجد.

روشن است که نمی‌توان از یک یا چند نهاد انتظار معجزه داشت با این حال نمی‌توان از امکان تاثیرگذاری آن‌ها نیز غافل شد. با علم به این موضوع و به عنوان رئیس مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران بفرمایید این مرکز چه برنامه‌هایی برای حمایت از کارآفرینی در دستور کار دارد؟

در ابتدا، اجازه دهید تاریخچه تشکیل اتاق بازرگانی در ایران را به طور خلاصه توضیح دهم. سابقه تشکیل اولین نهاد قابل انطباق با اتاق بازرگانی، در ایران به سال ۱۸۸۴ میلادی مقارن با ۱۲۶۳ خورشیدی برمی‌گردد. در آن سال حاج محمدحسین امین‌الضرب به اتفاق تنی چند از تجار معتبر و صاحب نام وقت «مجلس وکلای تجار» را پایه گذاشتند. اولین بار در سال ۱۳۰۵ خ نام اتاق در ایران استفاده شده و «اتاق تجارت» در مهرماه آن سال بر اساس «قانون اتاق‌های تجارت» زیر نظر وزارت بازرگانی تشکیل شد. در دهه ۱۳۲۰ «قانون تشکیل اتاق بازرگانی» در مجلس به تصویب رسید و نام «اتاق بازرگانی» از آن زمان مورد استفاده قرار گرفت. تا سال ۱۳۴۱ فقط اتاق بازرگانی در کشور وجود داشت و در این سال با فشار برخی صاحبان صنایع «اتاق صنایع و معادن» نیز در کشور بوجود آمد. در سال ۱۳۴۸ با ادغام «اتاق بازرگانی» و «اتاق صنایع و معادن»، «اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران»، برای نخستین بار پا به عرصه وجود نهاد. در سال

می‌کند که مساله اش بقاء باشد. در تمام طول تاریخ، سیستم‌ها یا پدیده‌های طبیعی باقی مانده‌اند که توانسته‌اند با یک مکانیزمی بقاء خودشان را تضمین کنند. حال اگر این هم تکاملی بین سیستم حکمرانی و فناوری اتفاق نیفتند می‌گوییم هم تقابلی رخ داده است. به این معنا که این دو نیرویی می‌شوند علیه یکدیگر. به این معنا که یا حکمرانی اجازه توسعه فناوری را نمی‌دهد یا فناوری ساختار حکمرانی را دچار تغییر پارادایم می‌کند. به بیان واضح‌تر تعامل حکمرانی و فناوری اگر به راحتی و سریع اتفاق بیفتد، زمینه رشد و استفاده از آن فناوری بیشتر می‌شود. تقابل این دو نیز دو نتیجه را در بر خواهد داشت: یا عقب ماندگی از فناوری و یا تغییر پارادایم اساسی در حکمرانی.

در اینجا نقش کارآفرینان یا به عبارت کلی‌تر بخش خصوصی بسیار حائز اهمیت است. استارت‌آپ‌ها با کمک فناوری وارد فضایی می‌شوند که هنوز قوانینی برای آن وضع نشده و رگولاتور نیز با قوانین سنتی قبلی سعی در کنترل و مدیریت آن‌ها دارد. در این شرایط باید تعامل دو طرفه وجود داشته باشد تا هم استارت‌آپ‌ها دغدغه حاکمیتی را خوب بفهمند و هم رگولاتور در جهت کمک به توسعه کسب و کار کارآفرینان برآید. درک درست از واقعیت زمانی ایجاد می‌شود که تعامل صحیح بین سیستم حکمرانی و کارآفرینان بخش خصوصی ایجاد شود. در ایران نیز قانونی وجود دارد به نام قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار که صراحتاً در بندهای ۲ و ۳ ذکر شده که دولت موظف است در تدوین استانداردها، آیین‌نامه‌ها و قوانین، نظر مشورتی اتاق بازرگانی‌ها و بخش خصوصی را دریافت کند. در این باره اتاق بازرگانی تهران نیز در تمام

۱۳۹۰ نیز بر اساس قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار، واژه کشاورزی به نام اتاق اضافه شد و نام اتاق به «اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران» که نام کنونی آن است تغییر یافت. اتاق‌های امروز سازمان‌های بالادستی و فراگیر بخش خصوصی هستند که سه وظیفه اصلی آن‌ها وکیل مدافع اعضای خود بودن، توانمندسازی و شبکه‌سازی است. این نهادهای مدنی مأموریت‌های خود را بهبود محیط کسب و کار ملی از طریق ایجاد گفتمان مشترک با حاکمیت، توسعه کسب و کار اعضاء از طریق گسترش روابط داخلی و بین‌المللی (شبکه‌سازی) و تسهیل نقش‌آفرینی فعالان اقتصادی در معادلات داخلی و خارجی و همین‌طور رابطه آن‌ها با جامعه پیرامون خود، قرار داده‌اند. از این رو، برای تحقق آن لازم است کسب‌وکارهای

بخش خصوصی با عضویت در اتاق‌های بازرگانی کمک کنند که صدای بخش خصوصی هرچه رساتر به سیاستگذاران و حکمرانان برسد. در عصر حاضر شاهد آن هستیم که فناوری با سرعت هرچه‌تمام‌تر پیش می‌رود به‌گونه‌ای که وقتی به طول انقلاب‌های صنعتی نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که انقلاب صنعتی اول ۱۰۰ سال، انقلاب صنعتی دوم ۷۰ سال و انقلاب صنعتی سوم ۴۰ سال طول کشیده و انقلاب صنعتی چهارم در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۱۵ تا ۲۰ سال عمر می‌کند. با توجه به نکات گفته شده و با در نظر گرفتن اینکه زمان زیادی تا ورود به انقلاب صنعتی پنجم باقی نمانده است، باید بگوییم متأسفانه در ایران از این قافله عقب مانده‌ایم. از این رو با ایجاد مرکز نوآوری و تحول دیجیتال بر آن شدیم که اتاق به‌عنوان حلقه



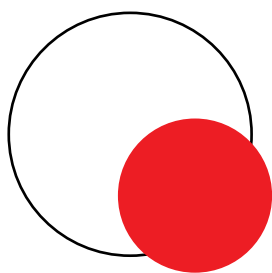
● منبع تصویر: در وسط محمدحسین امین‌الضرب نایب رئیس دوره اول مجلس شورای ملی و رئیس اتاق تجارت تهران
www.iichs.ir

واسط بین کسب‌وکارهای سنتی و اکوسیستم نوآوری نقش آفرینی کند و بتوانیم فناوری را به کسب‌وکارهای سنتی وارد کنیم. بنابراین، هدف از ایجاد این مرکز این بوده که حلقه واسطی بین کسب‌وکارهای سنتی و اکوسیستم نوآوری باشیم. برای تحقق این مهم برگزاری کارگاه‌های مهارت‌افزایی و کارگاه‌های آموزشی را در دستور کار خود قرار دادیم. برگزاری دوره‌های نوآورانه مانند بوت‌کمپ سفیران نوآوری با هدف نفوذ فناوری در صنایع نیز از دیگر فعالیت‌های ترویجی مرکز نوآوری و تحول دیجیتال است. برگزاری رویدادهایی از جنس احصاء نیاز، تبادل فناوری و جذب سرمایه نیز از دیگر فعالیت‌هایی است که با هدف حمایت از کسب‌وکارها و افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه اقتصادی کشور به صورت جدی در این مرکز پیگیری می‌شود. البته باید بگویم، مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق بازرگانی تهران مانند سایر مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌ها نیست و به هیچ وجه قصد نداریم رقیب بخش خصوصی شویم. بلکه این مرکز به مثابه یک هاب است که تمام شتاب‌دهنده‌ها و شرکت‌ها می‌توانند با آن همکاری کنند. به این معنا که تعداد شرکت‌ها خیلی زیاد است و خدمات ما محدود به دسته خاصی نبوده و این مرکز به تمامی فعالان اقتصادی خدمات ارائه می‌دهد. در این حوزه تلاش زیادی کردیم و دستاوردهای خوبی هم داشتیم.

علاوه بر این در راستای رفع چالش‌های شرکت‌های بخش خصوصی در اکوسیستم نوآوری اقدام به ارائه خدمات میز خدمت از قبیل مشاوره‌های آشنایی با مزایا و شرایط دانش‌بنیان شدن، نوآوری، تحقیق و توسعه، عارضه‌یابی سازمانی، جذب سرمایه و مشاوره‌های نحوه اخذ اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری

کرده‌ایم که بر اساس آن خدمات ارزشمندی به متقاضیانی که در میز خدمت مرکز نوآوری و تحول دیجیتال اتاق تهران ثبت‌نام کنند داده خواهد شد. علاوه بر این یکی از برجسته‌ترین اقدامات این مرکز همکاری مشترک با وزارت ارتباطات است که بر اساس آن، از طریق انتشار فراخوانی، طرح‌ها و پروژه‌های مجموعه‌های فعال در حوزه معدن و صنایع معدنی شناسایی می‌شوند. سپس میان شرکت‌ها و صنایع کوچک و بزرگ جهت تعریف پروژه‌های هوشمندسازی و تحول دیجیتال، تعاملاتی ایجاد شده و در ادامه تحت حمایت‌های مادی و معنوی تعیین شده قرار می‌گیرند.

با ایجاد مرکز نوآوری و تحول دیجیتال بر آن شدیم که اتاق به‌عنوان حلقه واسط بین کسب‌وکارهای سنتی و اکوسیستم نوآوری نقش آفرینی کند و بتوانیم فناوری را به کسب‌وکارهای سنتی وارد کنیم. بنابراین، هدف از ایجاد این مرکز این بوده که حلقه واسطی بین کسب‌وکارهای سنتی و اکوسیستم نوآوری باشیم.





○ برای من کارآفرینی یعنی خطر کردن در فضایی ناشناخته، یعنی استفاده از فرصت‌ها و فراهم کردن بستری رشد برای تک‌تک ذینفعان، یعنی گستردن خوانی برای خود و دیگران. بدین ترتیب برای کارآفرینی باید دلی بزرگ داشته باشیم، باید آگاه باشیم و نگاهی تیزبین داشته باشیم. باید بلندنظر و دیگر دوست باشیم. در این صورت کارآفرینی فرصت‌های توسعه برای جامعه نیز فراهم می‌کند.

پریسا پروشانی

○ بنیانگذار شرکت بازاری‌نگر و دبیر انجمن تحقیقات بازاریابی ایران



زن بودن و سرودن

درباره چالش‌های کارآفرینی بانوان در ایران
در گفتگو با سرکار خانم پریسا پروشانی
بنیانگذار شرکت بازارنگر و دبیر انجمن تحقیقات بازاریابی ایران

مصاحبه کننده: سپهر ساگری

پژوهشگر

کارآفرینی تنها گزینه توانمندسازی محسوب نمی‌شود اما شاید یکی از سخت‌ترین و در عین حال بهترین گزینه‌های استقلال اقتصادی و به تبع آن استقلال اجتماعی، ورود به همین عرصه است. گرچه این مهم بسیار مورد تاکید قرار گرفته است و شاید چندان هم نیاز به واکاوی نداشته باشد با این حال شاهدیم که در برابر آن مقاومت‌هایی صورت می‌گیرد. گویی بخش‌هایی از جامعه چندان تمایل ندارند که زنان را در همان سطحی ببینند که مردان را می‌بینند! این مسئله به قدری جدی است که در مواردی شاهدیم خود زنان نیز اذعان دارند که وظیفه یک زن در مرتبه نخست خانه‌داری است و نه کار بیرون! گرچه چنین انگاره‌هایی در سال‌های اخیر تا حد زیادی به چالش کشیده شده است به تریبی که شاهد ظهوری نسلی از زنان کارآفرین هستیم، با این حال نمی‌توان منکر سختی‌هایی شویم که نسل پیشین زنان کارآفرین به دوش کشیدند تا گامی کشور را به جلو برده و شکاف جنسیتی را کاهش دهند. به همین جهت خدمت سرکار خانم پریسا پروشانی بنیانگذار شرکت بازارنگر و دبیر انجمن تحقیقات بازاریابی ایران رسیدیم تا در مورد کارآفرینی بانوان در ایران گفتگو کنیم.



بازاریابی بنام Institut Supérieur du Market در پاریس، دپارتمان تحقیقات کیفی را در شرکت راه اندازی کردم و خیلی سریع توانستم در این زمینه رشد کنم. پس از بازگشت به ایران، همچنان به کار کردن علاقمند بودم و به دنبال کاری بودم متناسب با تحصیلات، تجربه حرفه ای و علاقمندی های خودم. چند ماهی از بازگشتم نگذشته بود که به طور خیلی اتفاقی، از طریق دوستی قدیمی با مجموعه ای آشنا شدم که در صنعت تبلیغات فعالیت می کردند و چون به موضوع تحقیقات اشرافی نداشتند، به دنبال فردی بودند که خدمات تحقیقات بازاریابی به مشتریان خارجی شان ارائه کند. به این ترتیب اولین پروژه های تحقیقات بازاریابی به درخواست این دوستان و بوسیله من استارت زده شد! پیرو رضایت این مشتریان، پروژه های دیگری نیز انجام دادم و طولی نکشید که به توصیه و کمک همین شرکت تبلیغاتی، شرکت بازاریابگر را در سال ۱۳۷۲ راه اندازی کردم و با فاصله کمی با دو عزیز دیگر دکتر منصور احسان و خانم مریم راست گفتار شریک شدم و این شراکت تا به امروز ادامه دارد که امری نادر است و به نظرم قابل تحسین!

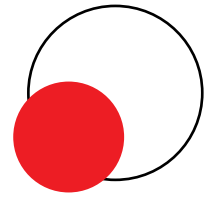
یادآوری می کنم که راه اندازی یک شرکت متخصص در این زمینه و معرفی این صنعت نوآورانه به بازار ایران در شرایطی که این صنعت و خدمات آن کاملاً ناشناخته بودند و بستر فرهنگی و اقتصادی جامعه هم مساعد نبود، کاری بس دشوار، جسورانه، پرتلاش و پرحمت بود. تجربه کارآفرینی در ایران به عنوان یک زن برای من چالش های بسیاری داشت، ولی در عین حال بسیار دلپذیر بود. از آنجایی که برای من مشکلات و مصائب همواره همراه با موفقیت هایی در جامعه بود و همچنین با

سرکار خانم پروشانی در ابتدا کمی از تجربه خودتان به عنوان یک بانوی کارآفرین در ایران بفرمایید.

فکر می کنم که هر واقعه یا رویدادی را باید در ظرف تاریخی خودش بررسی کرد. بد نیست برای پرداختن به موضوع کارآفرینی، به کمی بیش از ۳۰ سال پیش برگردیم تا از نزدیک ببینیم که این اتفاق چگونه و در چه شرایطی رقم خورد. اواخر سال ۱۳۷۱ پس از نزدیک به ۲۰ سال زندگی و تحصیل در پاریس، زمانی که بسیاری از ایرانیان درصدد مهاجرت از کشور بودند، من به همراه خانواده ام به ایران بازگشتم. ۳ انگیزه شفاف این بازگشت را رقم زد: اشتیاق به همراهی و مراقبت از پدر و مادرم در آستانه سالمندی، نزدیک شدن به شروع تحصیلات ابتدایی فرزندان^۱، سومی اش را هم بگذارید به حساب این که ما تصویر قله سپید دماوند و طلوع زود هنگام خورشید را در چشم اندازمان کم داشتیم!

من از ۱۸ سالگی کار کرده ام. در ابتدا در پاریس به صورت دانشجویی و پاره وقت همزمان با تحصیلاتم در رشته روانشناسی در دانشگاه سوربن مشغول بوده ام و به تدریج پله های ترقی را پیمودم تا اینکه پس از پایان تحصیلاتم به سمت مدیر پروژه به صورت تمام وقت مشغول به کار شدم. به صورت خیلی اتفاقی به توصیه یکی از همکلاسی های دانشگاه جذب شرکت تحقیقات بازاریابی Institut de sondage Lavielle که امروزه به شرکت بین المللی GFK تبدیل شده است، شدم. با تحقیقات کمی شروع کردم و به دلیل علاقه ام به روانشناسی، به تحقیقات کیفی روی آوردم و پس از گذراندن یک دوره آموزشی در یک آموزشگاه معتبر

۱- ما فکر می کردیم که اگر بچه ها تحصیلات را در فرانسه شروع کنند و با نظام آموزشی آن ها آشنا بشوند، دوست پیدا کنند و... دیگر نمی توانستیم آنها را به راحتی به ایران برگردانیم.



توجه به روحیات چالش پذیریم، هیچگاه انگیزه ام را از دست ندادم و مشکلات برایم کمرنگ تر می نمودند. حرفه ما تا سال ها به دلیل عدم شناخت، مورد اعتماد مدیران صنایع، حکمرانان و حتی مردم نبود و بارها گرفتاری های بسیاری را برایمان پدید آورد. شرایط آن سال ها را تصور کنید: سال ۱۳۷۲ کمی پس از پایان جنگ ایران و عراق، در آن زمان بانوان بسیار کمتر فعال بودند و در سمت های مدیریتی به ندرت دیده می شدند. بازار همچنان سوبسیدی بود، عدم فعالیت و یا فعالیت های حداقلی در زمینه بازاریابی و تبلیغات دیده می شد و در این شرایط، یک زن جوان تحقیقات بازاریابی را که هنوز بسیار ناشناخته بود، به مدیران صنایع مختلف که همگی مرد بودند، پیشنهاد و معرفی می کرد. عکس العمل های بسیار متفاوتی مشاهده می شد. برخی مسخره می کردند و جدی نمی گرفتند. برخی دیگر با شگفتی و ناباوری به این اتفاق نگاه می کردند و برخی دیگر با کنجکاوی! در بهترین حالت برای معرفی کار من را به دفترشان دعوت می کردند و خودشان اقرار می کردند که می خواستند ببینند زنی که زیر نامه معرفی را به عنوان مدیر عامل امضا کرده است، کیست؟ در آن زمان بدون تردید انتظار داشتم که جدی گرفته شوم و حرفه ای با من برخورد شود. ولی با توجه به شرایط فرهنگی حاکم، عکس العمل من در راستای فهم و درک موقعیت بود. با پایداری، استمرار، احترام و نگهداشت استانداردهای حرفه ای بالاخره توانستم به سازمان های داخلی و ایرانی هم راه خود را باز کنم و حرفه ای را که دوست داشتم به همگان و حتی به دستگاه های دولتی (برای مثال برای گرفتن مجوز نظرسنجی و تکمیل پرسشنامه در مورد محصولات و صنایع مختلف،

مذاکره با وزارت صنایع و معدن برای دریافت پروانه پژوهشی و ...) معرفی کنم. همان طور که ملاحظه می کنید می توانم بگویم که ما زمین غیر حاصلخیزی را شخم زدیم و با صبوری، امیدواری، تعهد، حفظ اصالت و حرفه ای بودن آن را به بستری برای رشد و نمو تبدیل کردیم. پس از ۷ - ۶ سال، شرکت های دیگری هم شکل گرفتند و پس از ۱۲ سال به تعدادی رسیدیم که توانستیم در سال ۱۳۸۴ انجمن تحقیقات بازاریابی ایران را تاسیس کنیم. هم در حرفه خودمان و هم در انجمن، تنها زنی بودم که فعالیت می کردم. در جلسات گاهی احساس می کردم که در محیطی مردانه که اکثرا در پی جنگ قدرت هستند، جای متزلزلی دارم ولی آنجا هم به سبک خودم با صبوری، آرامش، درک، احترام و پافشاری بر استانداردهای اخلاقی و حرفه ای راهم را ادامه دادم.

خوشبختانه در نسل جدید به مراتب بیش از گذشته به نوجوانان به ویژه نوجوان دختر بها داده می شود. با این حال در گذشته شرایط متفاوتی را زنان ما تجربه کرده اند. به نوعی با تزریق ناامیدی به زنان مواجه بودیم. تصور می کنید به چه ترتیب می توان بر این موانع فرهنگی غلبه کرد؟

تصور نمی کنم که تزریق ناامیدی یا تضعیف موقعیت اجتماعی زنان، آنان را از صحنه رانده باشد. برعکس می بینیم که ایجاد محدودیت ها شاید مقطعی عمل کرده باشد ولی در درازمدت برعکس عمل کرده است. شاهدیم زمانی که در اجتماع و بوسیله قوانین وضع شده محدودیت ایجاد می شود، در خانواده ها عکس این حرکت بوجود می آید. یعنی حمایت بیشتر، سوق دادن



ANA PHOTO | Ali Ahmadvand

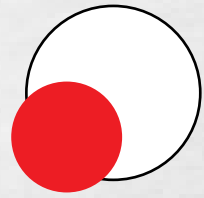
● منبع تصویر: کنکور ۱۴۰۰ چگونه برگزار می‌شود؟ / پیشتازی دختران در ماراتن بزرگ کشور www.ana.ir

صورت است که قانون گذاران نیز برای پیروی از تمایلات جامعه بایستی بستری را فراهم آورند تا در همه سطوح جامعه، این فرهنگ سازی اتفاق بیفتد.

شخصاً بر شایسته‌سازی تاکید دارم اما متناظر با موضوع این شماره فصلنامه از حضورتان می‌پرسم زنان برای استقلال اقتصادی و اجتماعی خود چه باید بکنند؟

فکر نمی‌کنم نسخه پیچیده‌ای وجود داشته باشد. در کلیت چنانچه اساس و شالوده انسان محور در خانواده ریخته شود، زن و مرد در کنار یکدیگر به رشد یکدیگر کمک خواهند کرد. زنان با تمرکز بر ویژگی‌ها و توانایی‌هایی که در خود نهفته دارند و افزایش این توانایی‌ها از طریق آموزش، به روز بودن، پایداری، خودباوری، تفکر مستقل و دنبال کردن علایق و سلیقه خود می‌توانند به گونه‌ای در جامعه عرض اندام کنند که احترام و جایگاهی که شایسته آن هستند را کسب کنند. این امر نه در تقابل و تضاد با منافع

دختران به سمت تحصیلات و آموزش بیشتر، گرفتن نقش در صحنه اقتصادی و آزادی عمل بیشتر. زنان با توجه به ویژگی‌های روانی و جسمانی خود یعنی زاینده و آفریننده بودن و تمرکز بر عشق، مهر، انعطاف پذیری، تاب آوری و صبوری، منبع بزرگی از امید و سازندگی را در خود نهفته دارند و این توانایی به راحتی قابل تخریب نیست و امروزه ثابت کرده‌اند که تاب آوری بسیار خوبی در شرایط فشارهای جامعه دارند. امروزه در بسیاری از سازمان‌ها، زنان نقش‌های مدیریتی را به عهده گرفته و موفق هستند و یا حتی در حوزه فناوری، علوم مختلف، عرصه‌های هنری یا ورزشی که در دوران مختلف زمین بازی مردان بوده است، پیشرفت‌های چشمگیری کرده‌اند. البته نمی‌توان منکر تعداد بسیار کمتر آن‌ها نسبت به مردان شد با این حال تغییر این شرایط نمی‌تواند در جامعه‌ای مثل ما به صورت جهشی رخ بدهد و باید به تدریج در زیر ساخت‌های فرهنگی تغییرات مثبتی ایجاد شود تا همانگونه که قبلاً نیز گفتیم به صورت طبیعی و گام به گام این امر میسر شود. در این



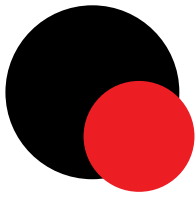
بکار ببندند. من این چنین کردم و پشیمان نیستم. واقعا نیازی نیست که جنگ طلب باشیم یا زورآزمایی کنیم تا توانایی هایمان را نمایان کنیم. ترجیح بر این است که با صلح، مهر، تاب آوری، صداقت، شفافیت و احترام جای خود را باز کنیم. جهان هستی آنقدر گسترده است که جا برای همگان وجود داشته باشد! از طرف دیگر، در زمان تشکیل خانواده، همسران و مردان جوان نقش مهمی می توانند ایفا کنند. آن ها با همدلی و تقسیم کار مناسب در خانواده می توانند فضایی را فراهم آورند که زنان شاغل از خستگی مفرط یا احساس گناه رنج نبرند و بتوانند سازندگی، مدیریت و کارآفرینی را تجربه کنند. پس باز هم بر می گردیم به فرهنگ خانواده و تجربه زیسته ای که چه در پسران و چه در دختران باید در کودکی و سپس در زمان تحصیل و آموزش اتفاق بیفتد. این ها به پی ریزی یک جامعه برابر کمک می کند.



● پریسا پروشانی

مردان بلکه با احترام به آنان و دوشادوش آنان میسر است. اگر به طبقات مختلف اجتماعی بنگریم، می بینیم که علاوه بر خانواده، امروزه زنان در همه سطوح نقش اجتماعی و اقتصادی فعال و سهمی در تامین معیشت خانواده دارند. اگر به عنوان مدیر، کارمند و کارگر آن ها را در صنایع تولیدی، خدماتی، آموزشی و هنری مشاهده می کنیم، بخش بزرگی نیز بدون این که از آموزش خاصی برای مدیریت، کسب درآمد، راه اندازی کسب و کار و کارآفرینی بهره ای برده باشند، در کسب و کارهای خانگی مشغول به فعالیت هستند که البته آن ها را مستقیما نمی بینیم و این امر مسلما در آینده بر فرهنگ جامعه و نگرش آن نسبت به زنان تاثیرگذار خواهد بود. پس با توانمند سازی آنان از طریق آموزش و افزایش مهارت ها، حمایت مالی در جهت اختصاص دادن ابزار و تجهیزات کار، می توانیم به استقلال اجتماعی و اقتصادی زنان کمک کنیم. استقلال یعنی توانایی حیات و رشد بدون نیاز به دیگری ولی در کنار دیگری، یعنی داشتن تفکر و رای مستقل.

اما کار آفرینی و جسارت و اشتیاقی که نیاز دارد، قصه دیگری است. کار آفرینی را باید در کودکی در آنان بارور کرد. خودباوری در کنار توانمندسازی بایستی در زنان نهادینه شود و به آن ها این پیام منتقل شود که در کنار تمامی ویژگی های زنانه و مسئولیت هایی که در تشکیل خانواده و فرزندپروری دارند، این توانایی را دارند که در جامعه نیز نقش های مهمی در تصمیم گیری، سیاست گذاری و اشتغال زایی ایفا کنند. در این راستا لازم نیست که زنان از صفات مردانه استفاده کنند تا موفق شوند. اتفاقا برعکس، باید ویژگی های زنانه خود را که پیش از این مطرح کردم، در مدیریت و کارهای خود



خانواده باید برای پسران هم اتفاق بیفتد. یعنی آن‌ها هم بدانند که ما همه انسان هستیم و گرچه دختران ویژگی‌های ذاتی متفاوت دارند ولی حقوق برابر دارند. این آگاهی باید نه تنها در گفتار بلکه در رفتار و نوع زیستن پدر و مادر نهفته باشد و منعکس شود.

به عنوان پرسش آخر بفرمایید که برای توانمندسازی زنان می‌بایست چه اقداماتی از جانب جامعه و حاکمیت صورت بگیرد؟

زنان آفرینش را می‌دانند و کافی است که موانع برداشته شوند و بستر رشد فراهم شود، آنگاه این اتفاق خودبخود می‌افتد. تک‌تک ما مسئول گسترش این فرهنگ در پیرامون مان، چه در خانواده، چه در سازمان‌هایی که فعالیت می‌کنیم و در نهایت در سطوح مختلف جامعه، هستیم. البته صادقانه و نه شعارگونه و حاکمیت و قانون‌گذاری، فقط با تاثیرپذیری از بطن جامعه، تغییر می‌پذیرد. برگردیم به کارآفرینی و محیط کار، اگر ما به عنوان مدیر آگاه، محیط و بستری امن، پویا و عادلانه فراهم کنیم، مسلماً زنان بیشتری پرورش پیدا می‌کنند و در صحن جامعه فعال خواهند بود. زمانی که این الگوی مدیریتی سازمانی را پیاده‌سازی کنیم، زنان و مردانی که در این نوع سازمان‌ها و محیط‌ها پرورش و رشد پیدا می‌کنند، زنجیره وار این الگو را در پیرامون خود نیز می‌آفرینند. در کنار این مسئله، اجازه فعالیت مستقل سازمان‌های مردم‌نهاد و کارآفرینان اجتماعی از طرف حکمرانان و فراهم کردن بستر رشد و توسعه آن‌ها به شدت می‌تواند بر توانمندسازی زنان تاثیر گذار باشد.

نه سنگ اندازی‌ها دروغ است نه کاغذ بازی‌ها و نه سقف شیشه‌ای! اما از زاویه دیگر باید گفت که زنان به صرف زن بودن الزام‌محق و شایسته انجام کاری نمی‌شوند. امری که در مورد مردان هم صدق می‌کند. با این توضیح به نظر می‌رسد در کنار نقد سقف شیشه‌ای و انواع تبعیض‌ها می‌بایست توانمندسازی زنان هم مورد توجه قرار گیرد. به عنوان مثال اینکه کمتر بانویی به عنوان بنیانگذار وارد حوزه کارآفرینی می‌شود صرفاً به موانع اجتماعی و فرهنگی محدود می‌شود یا نقش خود زنان و انگاره‌های ایشان نیز مهم است؟ نظر شما در این مورد چیست؟

فکر می‌کنم که همان قدر که محدودیت‌ها و موانع اجتماعی و اقتصادی نقش دارند، تصویری که که زنان از خود دارند نیز بسیار مهم است. اگر زنان فکر نکنند که فقط باید زیبا باشند یا فقط باید مادر و همسر باشند، در نوع نگرش جامعه و نقشی که می‌توانند بازی کنند تاثیرگذار است. این محدودیت‌های ذهنی و فرهنگی هم در خانواده رقم می‌خورد و هم در جامعه از جانب حکمرانان! کوچک‌ترین جزء جامعه یعنی خانواده، مهم‌ترین نقش را دارد. رعایت عدم تبعیض بین فرزندان دختر و پسر، آگاهی دادن به دختران نسبت به حقوقشان در خانواده و جامعه، پرورش آنان در راستای استقلال و بسترسازی برای تحقق این استقلال، حمایت آنان در انتخاب‌هایشان، کلیشه‌ای عمل نکردن و سعی در ایجاد بستری برای شکوفایی آنان، می‌تواند گام‌هایی باشد که به رشد آنان کمک شایانی خواهد کرد. بدین صورت تصویری که از خود در زندگی خواهند داشت انسانی کامل، مستقل و توانا خواهد بود. این آگاهی‌سازی در



● سهیلا سلحشور کردستانی



● شهیندخت خوارزمی



● برسابه هوسپیان



● گلاره عبارسی

هرگاه زنان به فرصتهایی که همواره از آن مردان بوده، دست یافته‌اند، توفیق شان در استفاده از آن کمتر از مردان که قرن‌ها ادعای انحصار آن را داشته‌اند، نبوده است.

سن، آمارتیا. (۱۳۹۹)، توسعه یعنی آزادی، مترجم سیدمحمد نوری نائینی، چاپ دهم، تهران: نشر نی.



زنان سازنده

نگاهی به نقش آفرینی چهار بانوی کارآفرین؛
برسابه هوسپیان، شهیندخت خوارزمی، سهیلا سلحشور کردستانی و گلاره عباسی

نویسنده: فاطمه محمدزاده

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و پژوهشگر اجتماعی

خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی از ارکان مهم توسعه پایدار هستند و امروز رسیدن به این امر مرهون مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌ها، الزامات، بایدها و رفع نابرابری‌ها است. یکی از مهمترین این پیش‌شرط‌ها مشارکت و توجه به نقش زنان در روند توسعه است. با توجه به اثرگذاری کارآفرینی بر کیفیت و استانداردهای زندگی، توجه به نقش و کنشگری زنان در این فرآیند، ضروری است. بسیاری از نظریه پردازان و پژوهشگران حوزه توسعه همچون سارا لانگه^۱، نایلا کبیر^۲، آمارتیا سن^۳، اینگلههارت و ولزل^۴ عاملیت بخشی به زنان، توانمندسازی ایشان و برابری جنسیتی را محور توسعه میدانند و برخی دیگر معتقدند دست یافتن به توسعه پایدار بدون مشارکت زنان در تمامی عرصه‌ها اعم از خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی امکانپذیر نیست.^۵

1- Sara Longwe

2- Naila Kabeer

3- Amartya Sen

4- Inglehart & Welzel

5-Cahn, N. Haynes, D., & Aoláin, F. Ní. (2010). Returning Home: Women in Post-Conflict Societies, University of Baltimore Law Review. 39, 338-369.

Gobayan, I., & Hakobian, L. (2005). Rural Woman Participation in Decision -Making in Entrepreneurship Research, Management Studies. 30 (5), 815-834.

در جهان امروز، غلبه بر بحران‌ها و دستیابی به توسعه پایدار به مشارکت همه جانبه اقشار مختلف جامعه نیاز دارد و زنان به عنوان نیمی از جامعه امید اول ارتقا خانواده‌ها، رشد و توسعه جامعه هستند. موفقیت زنان علاوه بر اینکه موجب سود اقتصادی کشور می‌شود، موجب منافع اجتماعی و فرهنگی است.^۶

از دهه ۱۹۷۰ میلادی، ساختار جنسیتی نیروی کار تغییر کرده و حضور زنان در شرایط متفاوت و در سطوح مختلف در فعالیت‌های اقتصادی بیشتر شده است. با این حال در جهان فرصت برای مشارکت زنان در بازار کار کمتر از مردان است. مطابق تحقیقات «دیده بان جهانی کارآفرینی»^۷ فعالیت‌های کارآفرینانه زنان نقش کلیدی در رشد اقتصادی کشورها دارد که این امر در بازارهای نوظهور نمود بیشتری دارد. با این حال برغم افزایش تعداد زنان کارآفرین، کارآفرینی در بیشتر کشورها هنوز با ویژگی‌های مردانه همراه است و تعداد زنان کارآفرین اغلب کمتر از مردان است. این وضعیت در کشور ما نیز وجود دارد. براساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد^۸، ایران در شکاف جنسیتی در بُعد اقتصادی در سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳، به عنوان یکی از ابعاد سنجش شاخص‌های جنسیتی، از میان ۱۴۶ کشور جهان، در رتبه ۱۴۳ قرار داشت.^۹ همچنین بنابر نتایج آخرین سرشماری سال ۱۳۹۵ نرخ مشارکت اقتصادی در بین مردان ۶۳/۹ درصد و

6- Seymour, N. (2001), Women entrepreneurs in the developing world, Digest No 01-04, Kaufman center for Entrepreneurial Leadership Clearinghouse on Entrepreneurship Education.

7- Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

8- World Economic Forum

9- World Economic Forum. (2023), The Global Gender Gap Report 2023, Geneva, faculty at Harvard University and London Business School. www.weforum.org/publications/global-gender-gap-report-2023/.

زنان ۱۳/۵ درصد بوده^{۱۰} و بنا بر گزارش مرکز آمار ایران، در سال ۱۴۰۲ نرخ مشارکت اقتصادی در بین مردان ۶۸ درصد و زنان ۱۴ درصد بوده است.^{۱۱} عوامل بسیاری در پاسخ به چرایی این وضعیت قابل طرح و بررسی است. در این مقاله قصد نداریم این عوامل را بررسی نماییم بلکه به دنبال معرفی زنان موفق و توانمندی هستیم که با وجود موانع و محدودیت‌های زیادی که در جامعه با آن روبرو بوده و هستند، توانسته‌اند با فعالیت و کنشگری خود در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی به موفقیت‌هایی دست یابند و نقش مؤثر و ماندگاری از خود برجای بگذارند. برسابه هوسپیان، شهیدخت خوارزمی، سهیلا سلحشور کردستانی، گلاره عباسی از جمله این زنان توانمند و موفق هستند.

برسابه هوسپیان

هوسپیان (۱۳۸۵خ)^{۱۲}، از ایرانیان ارمنی نوآور و تأثیرگذار است. او در فضای اجتماعی دوران قاجار و در دوران گذار به مشروطیت، اندیشه تأسیس کودکان را برای تعلیم و تربیت کودکان سه

۱۰- جهت کسب اطلاعات بیشتر به سالنامه آماری سال ۱۳۹۵ مراجعه نمایید.

۱۱- جهت کسب اطلاعات بیشتر به وبسایت درگاه آمار ایران www.amar.org.ir مراجعه نمایید.

۱۲- در روستای ارمنی نشین مأموران در بخش گندمان شهرستان بروجن استان چهارمحال و بختیاری متولد و در سال ۱۳۷۷ در آمریکا فوت شد. دانش‌آموخته رشته علوم تربیتی از دانشگاه ژنو بوده و از فعالیت‌هایی او: تدریس و مدیریت در مقاطع گوناگون تحصیلی ایران، ریس اداره نمایش کارهای هنری کودکان تهران در ۱۳۱۵، تأسیس نخستین نمایشگاه هنرهای دستی کودکان در ۱۳۱۸، عضویت در کانون بانوان تهران در ۱۳۱۹، عضویت دائم در هیئت مدیره جمعیت زنان ایران، حضور فعال در انجمن خیریه بانوان ارمنی و نمایندگی آن در جمعیت زنان کشور، بازیگری، حضور در مراسم برگزاری اولین کنگره بین‌المللی اتحاد زنان کشورهای شرقی در ۱۳۴۱ در تهران، شرکت فعال در کنگره زنان کشورهای شرقی، عضویت در جمعیت خیریه فرح پهلوی، عضویت در شورای منطقه‌ای آموزش و پرورش در ۱۳۵۱.



آموزش کودکان، سرانجام به نتیجه رسید. تا آن زمان کودکان ایران، به جز کودکان باغچه اطفال تبریز، مختص کودکان ارمنی بودند. هوسپیان که از نزدیک با کودکان و دنیای آن‌ها و حتی مشکلات مادرانشان آشنایی داشت دلیلی برای محروم ماندن کودکان غیرمسیحی از امکانات آموزشی و مادرانشان از فرصت‌های اقتصادی و رفاهی نمی‌دید. هوسپیان این کودکان را در خانه‌ای اجاره‌ای شامل دو کلاس و تنها با چهار کودک در محله سنگلج تهران شروع کرد که با استقبال روزافزون خانواده‌ها، در همان سال نخست، کودکان با چهل شاگرد به ساختمانی در خیابان شاه‌آباد (جمهوری کنونی) منتقل شد. پس از مدتی، کودکان به محل دائمی خود، به کوچه‌ای در کنار عمارت مسعودیه در خیابان اکباتان بهارستان، منتقل شد. برسابه با شعار «استقلال و آزادی توأم با انضباط»، کار

ساله فارسی زبان مطرح کرد و با اینکه در این مسیر با موانع اجتماعی بسیاری مواجه گردید، موفق شد نامی ماندگار از خود بر جای بگذارد. هوسپیان که از سال ۱۳۰۳ خ برای چند سال سابقه فعالیت مستمر در مدرسه‌های ابتدایی ارمنیان تهران و بندر انزلی را داشت، در سال ۱۳۱۰ خ موفق شد با امتیاز رسمی از وزارت فرهنگ آن را تأسیس کند.^{۱۳} او در یادداشت‌های خود، به کرات از رفتار مایوس‌کننده مقامات وزارت معارف یاد کرده است. مسئولان وزارتخانه در پاسخ به اولین درخواست او در خصوص صدور مجوز رسمی برای تأسیس کودکان، پیشنهاد کرده بودند که بدون مجوز رسمی فعالیت خود را شروع کند اما پافشاری برسابه برای رسمیت دادن به تأسیس مرکزی برای

۱۳- دو سال بعد از اقدام موفق هوسپیان در سال ۱۳۱۲ مسئولان فرهنگی کشور برای تعریف کلیات ضوابط لازم برای نگهداری، تعلیم و تربیت کودکان خردسال اساسنامه تأسیس نهادی به نام کودکان را صادر کردند.



خود را آغاز کرد. در کودکستان او، مسیحی و مسلمان می توانستند ثبت نام کنند.^{۱۴} علاقه فراوان برسابه به کسب تجربه در زمینه آموزش کودکان و توسعه آن باعث گردید با سفر به اروپا با کودکستان ها و دبستان ها و پایگاه های آموزشی معروف اروپا آشنا و تجربه خود را به ایران منقل کند. برسابه رفتار با کودکان را با توجه به نظریه فردریک فروبیل، استاد تعلیم و تربیت اهل پروس و مؤسس نخستین کودکستان جهان، استوار کرد و می کوشید تا تجربه و دانش بزرگان جهان در امر تربیت را با فرهنگ و روحیه خاص کودکان ایران وفق دهد. معتقد بود که باید توجه کودک را به چیزهایی که در محیط او وجود دارد جلب کرد، نه به اشیایی که در پیرامون او یافت نمی شوند تا ذهن کودک از این طریق از امور آسان پی به امور دشوار ببرد و از جزء به کل برسد.^{۱۵} از شاگردان کودکستان برسابه می توان به مرحوم استاد همایون خرم آهنگساز نامی و مرحوم کامبیز درم بخش، کاریکاتورپست اشاره کرد.^{۱۶}

او که آرزوی گسترش آموزش برای سنین مختلف دانش آموزان و به طور کلی توسعه تعلیم و تربیت در ایران را داشت، پس از بازگشت از سفر اروپا در سال های ۱۳۳۵ - ۱۳۳۴ خ، امتیاز تأسیس دبستان دخترانه و پسرانه و سپس در سال های ۱۳۳۸ و ۱۳۵۰ خ، به ترتیب مجوز رسمی تأسیس دوره راهنمایی و دبیرستان دخترانه را دریافت کرد. پس از انقلاب ۵۷ تمامی

۱۴- آراکلیانس، رافی. (۱۴۰۰)، برسابه هوسپیان، ماریا مونته سوری ایران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۹۷: ۲۵۷.
۱۵- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: آراکلیانس، رافی. (۱۴۰۰)، برسابه هوسپیان، ماریا مونته سوری ایران، فصلنامه فرهنگی پیمان، شماره ۹۷: ۲۵۷.
۱۶- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: «برسابه» نخستین کودکستان تهران در اکباتان وقتی پسرها روپوش دامن دار می پوشیدند. www.hamshahronline.ir
خاطرات خواندنی دو چهره معروف از نخستین کودکستان پایتخت www.hamshahronline.ir

مجتمع های آموزشی برسابه تعطیل شد اما او به فعالیت فرهنگی ادامه داد و با راه اندازی سفرهای سیاحتی برای گردشگران خارجی مدتی فعالیت کرد و نهایتاً در سال ۱۳۶۸ خ از ایران مهاجرت کرد.

شهیندخت خوارزمی

شهیندخت خوارزمی (۱۳۲۷ خ)^{۱۷}، بعد از انصراف از رشته پزشکی وارد رشته روانشناسی می شود و ابتدا مدرک فوق لیسانس روان شناسی و جامعه شناسی و سپس مدرک دکترای روان شناسی و ارتباطات و روش تحقیق را از دانشگاه ایندیانا آمریکا اخذ می کند. خوارزمی اولین استاد زنی است که موفق گردید در سال ۱۳۸۹ به عنوان استاد پیشگام روابط عمومی الکترونیک شناخته شود و تمبر یادبودی با

۱۷- متولد شهر بافت استان کرمان است. ایشان در سمت های اجرایی بسیاری فعالیت داشته از جمله: عضو کمیته فرهنگی - اجتماعی معاونت برنامه ریزی و کارشناس واحد سنجش افکار و مدیر ارزشیابی کیفی، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران ۱۳۵۶-۱۳۵۱؛ عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان ۱۳۵۱-۱۳۵۰؛ سرپرست گروه علوم تربیتی، دانشگاه کرمان ۱۳۵۸-۱۳۵۶؛ سرپرست مرکز بررسی های اقتصادی و مشاور رییس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران ۱۳۵۹-۱۳۶۸؛ مشاور و سرپرست پژوهش و آموزش انجمن مدیران صنایع ۱۳۶۲-۱۳۷۰؛ مشاور معاون پژوهشی وزارت صنایع سنگین ۱۳۶۸-۱۳۷۰؛ مشاور وزیر معادن و فلزات ۱۳۷۶-۱۳۷۲؛ مشاور و عضو هیئت علمی کارشناسی ارشد سازمان مدیریت صنعتی ۱۳۷۰ تا کنون؛ عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین الملل دریای خزر ۱۳۷۸-۱۳۷۶؛ مشاور شهردار تهران و مشاور معاونت توسعه مدیریت شهری و عضو کمیته راهبری شهرداری تهران ۱۳۸۱-۱۳۷۹؛ مشاور سازمان های صنعتی خصوصی و دولتی از جمله ایران خودرو؛ عضو شورای عالی دانشنامه کاشان از ۱۳۸۶ تا کنون؛ عضو هیئت مؤسس و نایب رییس انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی ۱۳۸۳ تا کنون؛ عضو هیئت علمی اتاق ایران و آلمان و دانشگاه ورتسبورگ. ایشان همچنین موفق شدند سمینارها و کارگاه های متعددی درباره آینده نگری، توسعه پایدار، جهانی شدن، انقلاب دیجیتال، جامعه اطلاعاتی، انقلاب اطلاعات و ارتباطات و آثار این تحولات بر جامعه بشری و کیفیت زندگی و ... برگزار نمایند؛ همچنین سخنران کلیدی در چندین همایش بین المللی و ... بوده و چندین کتاب از جمله کتاب هایی موج سوم و جایجایی در قدرت اثر الوین تافلر را ترجمه و چندین کتاب از جمله: کیفیت زندگی و شاخص خوشبختی را تألیف کرده اند.



● منبع تصویر: دکتر خوارزمی استاد پیشگام روابط عمومی الکترونیک شناخته شد www.hamshahrionline.ir

خوارزمی معتقدند: «توسعه یعنی بهبود کیفیت زندگی مردم در چارچوب الزامات زیست‌محیطی و با استفاده از زیرساخت پیشرفته تکنولوژی. اگر برنامه‌های توسعه به بهبود کیفیت زندگی مردم منجر نشود، نه توجیه عقلانی دارد و نه توجیه اخلاقی. از نظر او کیفیت زندگی در ایران نابسامان و به شدت در حال بدتر شدن است. در جامعه‌ای که کیفیت زندگی دغدغه نظام حکمرانی است، مردم اگر چه مشکل دارند، مسئله دارند، ولی حالشان نسبتاً خوب است، به نظام حکمرانی اعتماد پیدا می‌کنند و همکاری می‌کنند و از عقلانیت و منطق برای حل مسائل شان استفاده می‌کنند. اما در ایران گرچه جلب مشارکت و همکاری مردم به عنوان یک حکم در سیاست‌های کلی نظام آمده است، ولی از خودشان سؤال نمی‌کنند که مردم چرا و در چه شرایطی اعتماد ندارند، حال خوب ندارند، امید به آینده ندارند و چگونه می‌توانند همکاری کنند؟ در اسناد بالادستی ردپایی از تعریف توسعه به عنوان اندیشه بنیادی که جهت سیاست‌گذاری

تصویر ایشان در این زمینه منتشر شد.^{۱۸} همچنین در سال ۱۳۸۸ خ به عنوان استاد برتر منابع انسانی شناخته شد.

دکتر خوارزمی از بانوان پیشگام در زمینه آینده پژوهی و روابط عمومی الکترونیک در ایران است و با فعالیت چندین ساله در این زمینه و با ترجمه چندین کتاب از جمله کتاب‌هایی چون موج سوم و جایجایی در قدرت اثر الوین تافلر، نقش تأثیرگذاری در این زمینه در کشور داشته است. ایشان با انتقاد از سیاست‌های فعلی کشور در امر توسعه در مصاحبه‌ای گفته‌اند: «به عنوان یک ایرانی که عاشق این سرزمین است، فقط دغدغه توسعه ملی دارم.» خوارزمی تأکید می‌کند که سیاسی نیست. جایگاه و رتبه‌های فعلی ایران در آمارهای بین‌المللی را به هیچ عنوان نمی‌پسندد و دلیلش هم برخورداری از امکانات و سابقه فرهنگی، تمدنی، تاریخی و سرمایه عظیم انسانی کشور است. از نظر ایشان نبود عزم استراتژیک، مهمترین عامل ضعف در پیشبرد جامعه اطلاعاتی در ایران است.^{۱۹} دکتر

فضای مجازی راهکار دور زدن تحریم هاست: گفت و گو با دکتر شهیندخت خوارزمی پژوهشگر، مولف و مترجم کتاب‌های توسعه، ماهنامه مدیریت ارتباطات، شماره ۲۱: ۱۳.

۱۸- ایشان نخستین زنی است که در ایران به نامش تمبر یادبود چاپ شده‌است.
۱۹- تقی پور، امیر عباس؛ لعلی، امیر. (۱۳۹۰)، استفاده از

و برنامه‌ریزی را مشخص می‌کند، نمی‌بینیم. یعنی بعد از ۷۵ سال تجربه برنامه‌ریزی توسعه ملی، تلاش نکردیم که حداقل در این زمینه الگو و مدلی داشته باشیم که همه بر سر چیزهای بنیادین آن تفاهم داشته باشند. نوعی خلأ معرفتی وجود دارد و این آشفتگی معرفتی مهم‌ترین ضعف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است. ضمن اینکه بعد از ۷۵ سال که انتظار می‌رفت به خرد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برسیم، به نظرم از آن دور شدیم. با الفاظ بسیار زیبا سندی می‌نویسیم که فقط آرمان‌هایمان را بیان می‌کند.^{۲۰} همچنین از نظر ایشان نسل جدید نسلی است که می‌تواند به سرمایه انسانی تبدیل شود. ولی نکته‌ای که شاید کمتر بدان توجه شده و با توجه به مشاهدات خود می‌گویم اینکه: پسران انگیزه برای درس خواندن ندارند و کمتر می‌بینید که با علاقه درس بخوانند و بخواهند ادامه تحصیل دهند. دختران برعکس هم انگیزه دارند، هم هدف دارند، هم رؤیا دارند و می‌دانند چه می‌خواهند و برای رسیدن به آن برنامه دارند. این معضلی اجتماعی است، چون تعادل اجتماعی را به هم می‌زند. زنان الان دیگر دغدغه من نیستند، چون مسیر خودشان را پیدا کرده‌اند و قابلیت‌های خودشان را نشان داده‌اند؛ هم در کنشگری‌های اجتماعی و هم در یافتن فرصت برای شکوفایی استعدادهایشان و هم در حضور فعال در بازار کار و این روند برگشت‌ناپذیر است. با مشاهداتی که در روستاها دارم، نگران مردان این جامعه هستم.^{۲۱}

۲۰- جهت کسب اطلاعات بیشتر بنگرید به: توسعه ایران در گرو شبکه‌سازی جوانان با انگیزه www.pooyeshfekri.com
۲۱- همان

سهیلا سلحشور کردستانی

دکتر کردستانی (۱۳۳۶خ) عضو هیات علمی دانشگاه صنعتی امیرکبیر و از نسل نخست کارآفرینان نوآور و دانش بنیان است. ایشان پس از سال‌ها فعالیت روی پروژه‌های علمی، قدم به عرصه تولید و کارآفرینی گذاشتند. دکتر کردستانی در سال ۱۳۸۹ به خاطر ارائه خدمات مناسب و اختراعات در حوزه بهداشت و درمان، به عنوان ۱۰ زن برتر کارآفرین کشور معرفی شدند. دکتر کردستانی بعد از بازگشت به کشور به خاطر علاقه به پژوهش در حوزه بیوپلیمرهایی از جمله بیوپلیمرهای لایه بیرونی سخت پوستان دریایی، طی سفرهای پژوهشی به جنوب ایران، پوسته‌های سخت پوستان دریایی مثل میگو را جمع‌آوری و با آزمایش و تحقیق به خواص ترمیمی بسیار بالای آن‌ها بر روی زخم‌ها پی برد. این پژوهش‌ها منجر

۲۲- متولد شهر گنبد کاووس، دوره ابتدایی را در ایران گذراند و بقیه مراحل تحصیل را در انگلیس سپری کرد. او دارای مدرک دیپلم از کالج چستر، فوق لیسانس شیمی از دانشگاه دمونتوفورد لستر و فوق لیسانس علوم ایفای از دانشگاه لیدز و دکتری تخصصی شیمی پروتئین و دکتری تخصصی بیولوژی مولکولی از دانشگاه بیرمنگام است. دکتر کردستانی تا سال ۱۳۷۲ در انگلستان مشغول به تحصیل و کار بودند اما در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و دعوت از نخبگان ایرانی برای برگشت و فعالیت علمی و اقتصادی در کشور به ایران بازگشت و به عنوان عضو هیئت علمی در دانشگاه صنعتی امیر کبیر مشغول به کار شد. ایشان دارای مقالات علمی و اختراعات بسیاری است از جمله: پوشش پلیمری زخم؛ استخراج کیتین و کیتوسان جهت ترمیم زخم؛ پوشش کیتین و کیتوسان و تهیه ایفای؛ ساخت نوعی چسب سه‌لایه حاوی داروی ایبوپروفن؛ تولید پلی یورنیک اسید به روش اکسیداسیون سلولز؛ طراحی و ساخت فیلم زیست‌سازگار به روش نوین؛ پوشش پلیمری زخم؛ ژل ترمیم‌کننده کیتوئیل؛ کیتوسل دارای خاصیت بندآورندگی خونریزی‌های وریدی؛ ابزار پاشش پودرهای پزشکی در جراحی با حداقل تهاجم؛ محلول ضد عفونی‌کننده زخم و شستشوی دست؛ پانسمان شفاف کیتوئیل مناسب ترمیم زخم؛ ساخت خمیرهای تزریقی پذیر قابل گیرش از جنس نانو بیوسرامیک‌های کلسیم فسفاتی - کیتوسان؛ ساخت سیمان نانو کامپوزیتی؛ ساخت نانو پلیمر پلی‌یورتان اصلاح شده با کیتوسان؛ ساخت جایگزینی پوستی با پایه نایلون و اجزا بیولوژیکی ژلاتین کندرین ۶ سولفات و کیتوسان.

شان محدودیت ایجاد کرده است. زن و مادر ذاتا به دلیل توان پاسخ دهی به نیازهای عاطفی خانواده و فرزندان، دارای روحیه پرورش دهنده است. بنابراین می توان گفت زنان با درایت و آگاهی از عهده هر فعالیت اجتماعی که نیاز به رشد و پرورش داشته برمی آیند. بیش از ۹۵ درصد از مدیران شرکت کیوتیک را زنان تشکیل می دهند. ضمن اینکه به خاطر جنسیتشان استخدام نشده اند، بلکه فقط براساس توانایی، دانش و دقت و تعهدی همکاری می کنند.^{۲۵} ایشان انگیزه خود برای ثبت اختراعات مختلف و طی کردن راه موفقیت علاقه به ایران، التیام زخم ها و آلام مردم و ایجاد اشتغال برای جوانان ایرانی می داند و معتقدند که: «باید فکر بزرگ داشت، اما نه خود بزرگ بینی: همان طور که چارلز دیکنز هم می گوید باید آرزوهای بزرگ داشت. فکرهای بزرگ همیشه موجب حرکت های بزرگ می شوند.»^{۲۶}

۲۵- همان.

۲۶- کارم را از پشت بام خانه شروع کردم

www.shanbemag.com

به ثبت چندین اختراع بین المللی و تأسیس شرکت "کیتوتک" (کیفیت تولید تکاپو) با هدف تولید در مقیاس صنعتی در سال ۱۳۸۱ گردید که بر روی تولید محصولات ترمیم کننده زخم و بند آورنده خونریزی، حوزه تخصصی پانسمان های بیواکتیو، پانسمان های نوین ترمیم زخم، متمرکز است.^{۲۳} محصولات کیتوتک بیش از ۲۰ سال است که در بازارهای داخلی و خارجی عرضه می شوند. دکتر کردستانی می گوید: «شعار ما تفکری نوین در بهداشت و درمان است و تا جایی که در توانم باشد و خداوند به من عمر بدهد برای خدمت به مردم و اختراع محصولاتی که بتواند جان آن ها را حفظ کند دست از تلاش بر نمی دارم. این نهایت آرزوی من است.»^{۲۴} دکتر کردستانی در مصاحبه ای گفته اند: هرگز فکر نکرده اند که زن بودن برای

۲۳- پانسمان های بیواکتیو پیشرفته کیتوتک برای کلیه بیماران مبتلا به زخم های حاد و مزمن مانند زخم پای دیابتی، زخم بستر، زخم های ناشی از سوختگی، زخم های جراحی، زخم های تروماتیک، عروقی، زخم های ناشی از بیماری های ژنتیکی و خود ایمنی و زخم های ناشی از رادیوتراپی، آلرژی، سرطان و ... کاربرد دارد.

۲۴- بانویی از ایران زمین؛ با دکتر سهیلا سلحشور کردستانی

www.farsi.iranpress.com





● منبع تصویر: (عکس) استایل بسیار شیک و با وقار گلاره عباسی در سال نو www.faradeed.ir

گلاره عباسی

گلاره عباسی (۱۳۶۲خ) بازیگر سینما و تلویزیون، از زنان موفق در عرصه بازیگری است که تاکنون برنده جوایزی چون بهترین بازیگر از جشنواره اسب نقره‌ای روسیه، بهترین بازیگر از فستیوال فیلم زنان فرانسه و سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن جشنواره فیلم فجر شده‌است، او همچنین سابقه کارگردانی^{۲۷} و رمان نویسی^{۲۸} هم دارد. عباسی در اوایل سال ۱۳۹۸ با راه‌اندازی «گروه سونیا» (سینمای نابینایان)، به منظور ارزیابی محصولات فرهنگی و هنری به شهروندان روشن دل و حمایت از توانمندی‌های آنان، وارد عرصه کارآفرینی گردید و توانسته است بستری برای فعالیت و اشتغال‌زایی شهروندان روشن دل و شناسایی استعدادها و توانایی‌های ایشان فراهم نمایند. سونیا در ابتدا با هدف توضیح‌دار کردن فیلم‌ها کار خود را آغاز و تا امروز که تقریباً چهار سال از شروع فعالیت آن می‌گذرد، به سرعت

۲۷. فیلم هما، ساخته شده در سال ۱۴۰۱

۲۸- مریلین مونرو، سر جردن www.nashrenimaj.com

به سایر حوزه‌های فرهنگی چون رادیو سونیا، نقد و بررسی کتاب‌های صوتی، تولید پادکست، چاپ منوی رستوران‌ها و کافی‌شاپ‌ها به خط بریل و ... گسترش یافته است. همچنین طراحی اپلیکیشن و پلی لند هم از برنامه‌های آینده سونیا است. به گفته خانم عباسی ایده اولیه اینکار زمانیکه از ایشان دعوت گردید تا به عنوان مجری در برنامه رادیویی که مخصوص نابینایان بود حضور یابند، به ذهن شان رسیده است. با حضور در این برنامه رادیویی متوجه شدند، حاضران در استودیو که روشن دل بودند تمام نقش‌هایی را که ایشان بازی کرده بودند با جزئیات می‌دانستند و در موردش حرف می‌زدند، انگار که واقعا دیده بودند. خانم عباسی متوجه این موضوع شدند که در حین تماشای فیلم یا سریال کسی کنار این ایشان بوده و صحنه‌هایی را که دیالوگ نداشته را تعریف می‌کرده است. این موضوع باعث شد این سؤال به ذهن خانم عباسی برسد که چرا نباید در سینما برای آن

ها کار ویژه‌ای انجام داد؟^{۲۹} عباسی اولین کار خود را با توضیح دار کردن بخش‌هایی از فیلم اجاره نشین‌های داریوش مهرجویی شروع کرد و سپس تصمیم گرفتند این فعالیت را به صورت زنده و در سینما انجام دهند و با فیلم سرخپوست و عوامل اجرایی این فیلم شروع کرد. آن‌ها فیلم‌های مطرح و موفق در حال اکران و فیلم‌های سابقا اکران شده، همچنین فیلم‌ها و سریال‌های خانگی را انتخاب و به همراه توضیحات صوتی نمایش می‌دهند و در وب سایت خود منتشر می‌نمایند و حتی با مؤسسات و پلتفرم‌های مختلف همکاری می‌کنند. تا محتوای فرهنگی به صورت دائمی برای روشن دلان دسترس پذیر شوند، با این شعار که بهترین‌ها باید برای سوینا باشد. عباسی در مصاحبه‌ای می‌گوید: «وقتی همه من را می‌بینند؛ به عنوان بازیگر می‌شناسند و فکر می‌کنند آمده است تا راجع به بازیگری‌اش حرف بزند. قبل از سوینا بله تقریباً فکر می‌کردم آنچه مسیر زندگی‌ام را تغییر داد بازیگری بوده اما بعد آن فهمیده‌ام که اینگونه نیست و آنچه که دنبالش بودم و قرار است همه چیز را عوض کند، چیزی به اسم سوینا است. سوینا، ابتدا بخشی از زندگی‌ام بود اما بعد شد همه زندگی‌ام و حالا زندگی‌ای وجود ندارد؛ سوینایی وجود دارد که من در کنارش زندگی می‌کنم و از این بابت خیلی خوشحال هستم.»^{۳۰}

جمع بندی

زنان در جامعه ما با توجه به محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی و همچنین باورهای اجتماعی غلط و کلیشه‌های منفی رایج، مشارکت کمتری نسبت به مردان در روند توسعه داشته‌اند. البته در طی چند دهه اخیر با توجه به تأثیرات فرایند مدرن شدن، دگرذیسی‌های روی داده و بازسازی اجتماعی نقش‌ها شاهد هستیم نقش‌های مدرن و جدیدی برای زنان در ارتباط با خارج از ساختار خانواده در سطح کلان اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه ایجاد شده است. زنان توانمند بسیاری همانند هوسپیان، خوارزمی، کردستانی و عباسی و ... در عرصه‌های مختلف توانسته‌اند با به کارگیری راهبردهای مختلفی به موفقیت برسند و با قاطعیت، استقلال، اعتماد به نفس بالا، تمایل به ریسک‌پذیری، داشتن روحیه زنانگی مقاوم، روحیه خلاقانه و کارآفرینانه، درک فرصت‌های پیش رو، تغییر طرح‌واره‌های ذهنی، نادیده گرفتن باورهای اجتماعی سنتی، ایستادگی (حتی مبارزه) در برابر ساختارهای محدود کننده و ... کنشگری خود را به نمایش بگذارند و نه به اجبار بلکه هدفمندانه و با علاقه و با انتخاب خود فعالیت نمایند و به موفقیت دست یابند. آمارتیا سن بر این باور است که هرگاه زنان به فرصت‌هایی که همواره از آن مردان بوده، دست یافته‌اند، توفیق‌شان در استفاده از آن کمتر از مردان که قرن‌ها ادعای انحصار آن را داشته‌اند، نبوده است.^{۳۱} از این رو جدی گرفتن و توجه به فعالیت‌ها و مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف علمی، کارآفرینی و ... و حمایت از فعالیت‌های آن‌ها همواره باید در جامعه پذیرفته

۲۹- «سوینا» ترویج یک اتفاق فرهنگی است
www.sharghdaily.com

۳۰- روایت گلاره عباسی از بازگشت به ایران در ۱۸ سالگی تا آرزوهایش برای آینده. www.khabaronline.ir

۳۱- سن، آمارتیا. (۱۳۹۹)، توسعه یعنی آزادی، مترجم سیدمحمد نوری نائینی، چاپ دهم، تهران: نشر نی.

و مورد توجه قرار گیرد و باورهای کلیشه‌ای و رویه‌های موجود در این خصوص باید مورد بازنگری اساسی قرار گیرد و با به کارگیری استراتژی‌های مداخلاتی مؤثر و اتخاذ رویه‌های جدید به لحاظ سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های جدید در بازه زمانی کوتاه مدت و دراز مدت تغییرات اساسی صورت گیرد، تا شرایط برای زنان برابانه و عادلانه شود و ساختارهای معنایی نوینی برای مشارکت آن‌ها در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، علمی و سیاسی فراهم شود.



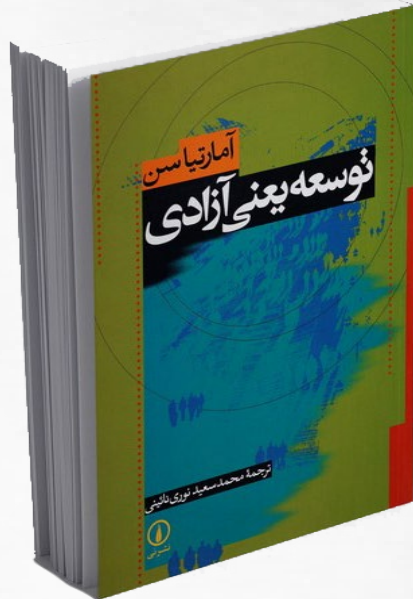
فارس
FARSNEWS

Mahdi Marizad



۳۴ فصلنامه پیشرو





پیامد توانمندسازی زنان

بریده‌ای از توسعه یعنی آزادی اثر آمارتیا سن

شواهد فراوانی وجود دارد که هرگاه ترتیبات اجتماعی از نحوه عمل معمول که در آن مالکیت از آن مردان است تغییر یابد، زنان می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی را با موفقیت دنبال کنند. روشن است که نتیجه مشارکت زنان در امور اقتصادی، تنها ایجاد درآمد برای زنان نیست بلکه فراهم ساختن فواید اجتماعی حاصل از ارتقای وضعیت زنان و استقلال ناشی از آن نیز مورد نظر می‌باشد. بنابراین مشارکت زنان در امور اقتصادی هم پاداش خاص خود را دارد (کاهش تبعیض جنسیتی در تصمیم‌سازی در درون خانوار) و هم بر تغییرات کلی اجتماعی تأثیری عمده می‌گذارد.

توسعه یعنی آزادی، آمارتیا سن، مترجم: محمدسعید نوری نائینی،
نشر نی، چاپ یازدهم، تهران ۱۴۰۰، ص ۳۳۴

دعوت به همکاری

فصلنامه پیشرو

به توسعه ایران می اندیشد

پیشرو از گفتگو با شهروندان دغدغه مند استقبال می کند. از این رو می توانید هرگونه سوال، ابهام، انتقاد یا پیشنهادی را از طرق زیر با ما در میان بگذارید.



pishromagazine@gmail.com



۰۹۱۱۳۳۹۲۷۸۵



رشت، گلسار، بلوار نماز، شهرک گل ها، بلکو ۳۸، واحد ۲



www.pishromagazine.com